

رفیق نورالدین کیانوری:

# تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا است

صفحات ۳ و ۶

## دلاورپهای خلق در سنگرهای جنگ

۶ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه‌های نبرد می‌گذرد. ۶ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می‌آفرینند. ۶ ماه است که خلق قهرمان ایران برگ برگ رهایی خویش را با خون رقم می‌زنند. آنچه از این پس، هر پنجشنبه در نامه «مردم» می‌خوانید، لفظانی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده‌ای از جبهه‌های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه‌ها بوده‌اند، تقاضا می‌کنیم که، با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

نام در نمی‌آید. نام من که نه. نان عیال و اولاد. دخترکم تازه راه افتاده. پسرکم دو ماهه نامانی است. توی يك زاغه زندگی می‌کنیم. تازه شانس آورده‌ایم. این مملکت پراست از آدم‌هایی که ۵۰ سال است جان می‌کنند و هنوز توی خیابان می‌خوانند.

عیدالتبی را در صف اول جبهه شناختم. بلند قامت بود و سوخته؛ مثل نخلی در سینه باز دشت. راننده جیب حامل توپ ۱۰۶ بود. شب تیره‌ای، زیر آسمان پرستاره جنوب، در عمق سنگر چای می‌نوشیدیم. غرق در آتش و دود، از تهاجم بدشمن بازگشته بودیم. رفیق حجت هم با ما بود. هنوز شپیدنشده بود. عیدالتبی خودش را معرفی کرد: «کارگر بندرم. حالا نزدیک ۴۰ سال را دارم. از این مدت ۳۴ سالی را کار کرده‌ام. دویده‌ام، عرق ریخته‌ام. جان کنده‌ام و لقمه نانی خورده‌ام. از ۱۰ سال پیش در بندر کار می‌کنم. زیر آفتاب تهنه‌ده، تا خون عرق تکتم،

## «مجاهدین خلق» در لبه پرتگاه

پاسخی در اصول و مبانی به آقای مسعود رجوی و مسئولان نشریه «مجاهد» را در روز یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۵۹ خواهید خواند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۶۶۶ پنجمین ۲۱ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با ۵ جمادی الاول ۱۴۰۱-۱۳۵۹ ریال

مبارزان و نویسندگان مسلمان را توجه می‌دهیم:

## در دامی نیفتید، که در حال افشای آن هستید!

ماتوئیست‌ها بدترین دشمنان مارکسیسم هستند که «سیا» وظیفه بدنام کردن سوسیالیسم علمی را، زیر پوشش مارکسیسم، به آنها سپرده است. عیار سیاست راستین مارکسیستی را با روش انقلابی مارکسیست‌های امپریالیست‌نویس، که در تمامی جهان یکی است؛ پشتیبانی از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران برهبری امام خمینی!

ضدانقلاب سازمان یافته، ساواکیها، وابستگان به رژیم طاغوت، کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان، همراه با لیرالها و ماتوئیستهای آمریکایی و همچنین بدام‌اندگانی چون «مجاهدین»، تشنج و درگیری را گام به گام گسترش می‌دهند؛ اینجا ساواکی‌ها آب را گل آلود می‌کنند، آنجا لیرالها

روابط عمومی دادسرای انقلاب اعلام کرد: محاکمه عباس امیر انتظام، ۵ روز دیگر آغاز می‌شود

با آتش یکانهای نیروی دریایی، چندین سنگر دشمن در خونین شهر منهدم شد

در ادامه نبرد مدافعان انقلاب با نیروهای متجاوز صدامی در تبه در صفحه ۷

پیمان نظامی سرسپردگان امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس شکل می‌گیرد

بهنگامیکه ضدانقلاب داخلی بر کوشش‌های براندازانه خود می‌افزاید و لیرال‌های وطنی و ماتوئیستهای آمریکایی تهاجمی بر مسابقه را برای خارج کردن امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق و انقلاب ما، از زیر ضربه پیکار ضدامپریالیستی آغاز نهاده‌اند، امپریالیسم آمریکا متحدان اروپائی آن و سرسپردگان آنها در منطقه، آشکار و پنهان به دسیسه‌های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مترقی و جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه ادامه می‌دهند. کافی است که در این زمینه به چند خبر روزهای گذشته بنگریم: برای نمونه، وزیر دفاع آمریکا چندروز پیش گفت که: «ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و در جنوب خاوری آسیا گسترش خواهد داد». دولت آمریکا و متحدان امپریالیستی آن اکنون بزرگترین سپاه دریایی - هوایی خود را در دوران صلح در منطقه خلیج فارس متمرکز ساخته‌اند. این انباشت بی سابقه نظامی در منطقه، به پهنه‌های گوناگون، از جمله «کروگانگیری» و «تامین عبور آزاد از تنگه هرمز» شدت یافت. قاعدتا با اخراج جاسوسان دیپلمات‌نمای آمریکایی و اعلام مکرر دولت ایران مبنی بر «تامین عبور آزاد از تنگه هرمز»، دولت آمریکا دیگر نباید بهانه‌ای برای ادامه حضور نظامی خود، هزاران فرسنگ دور از مرزهایش، در خلیج فارس، داشته باشد! اما دولت آمریکا، بجای کاهش این تبه در صفحه ۸

## ایجاد کنندگان درگیری و تشنج را بهتر بشناسیم

## گزارش موثق از فعالیت توطئه گرانه ضد انقلاب

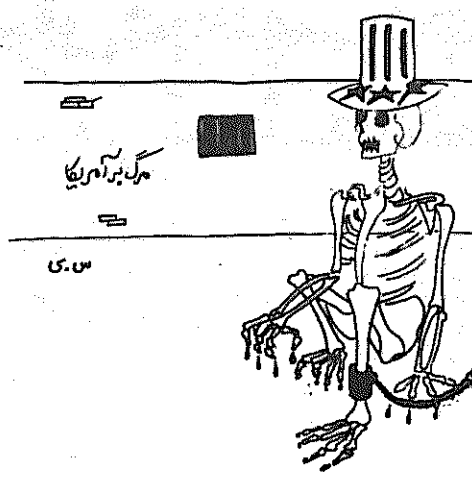
## «نقش گروه ضربت» در حوادث ۱۴ اسفند چه بود؟

۴- اولین تصمیم جلسه «گروه متحده» ضدانقلاب، تلاش برای تشدید هرچه بیشتر تشنجات و درگیری‌ها و دامن زدن به ناامنی در داخل کشور است. روش‌هایی که در این جلسه برای نیل به این هدف شوم، به تصویب رسیده، عبارتست از:   
الف- حمله و تخریب و ایجاد تشنج بنام و بعنوان «حفظ اسلام» یا «دفاع از آزادی» در ایران،   
ب- ایجاد اغتشاش‌های محلی بنام حزب توده ایران،   
پ- سوءاستفاده از نارضایتیها برای ایجاد و تشدید جو نارضایتی بیشتر،   
ت- یورش به اعضاء و هواداران حزب توده ایران و نیز فدائیان خلق (اکثریت).   
۵- بنا به گفته سران «گروه متحده» ضد انقلاب، عده‌ای از طریق مرز عراق و ایران، وارد ایران شده‌اند و «موقیتهائی در زمینه تشکیل سازمانهای مخفی» بدست آورده‌اند. این عده نام «گروه ضربت» بر خود نهاده‌اند و هر کدام ماهیانه، نسبت به «کارهای انجام شده» از اوپسی، حقوق دریافت میکنند.   
این اخبار، بار دیگر صحت هشدارهای ما را مبنی بر اینکه ایجاد تشنج، درگیری و ناامنی جز بسود ضدانقلاب نیست و سازمانده اصلی آن ضدانقلاب است، تایید می‌کند. این اخبار بوضوح نشان میدهند که نیروهای که، علیرغم نیت خویش، به روشهای ضدانقلاب‌روی می‌آورند، جز در جهت و بسود امپریالیسم آمریکا عمل نمی‌کنند.   
سوال اکنون اینست: آیا «گروه ضربت» در حوادث ۱۴ اسفندماه دانشگاه تهران، شرکت نداشته است؟!   
۱- نماینده مدنی، که فردی بنام مهندس ملکزاده است و در هتل «میر» May Fair لندن سکونت دارد، برای متحد کردن کلیه گروههای ضدانقلابی، از جمله سلطنت‌طلبان، فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. او تلاش میکند که یک گروه «متحده» از امینی، پختیار، اوپسی، جم، نیاوندی، خسروانی، آریانا و عده‌ای از روشنفکران ضدانقلابی فراری تشکیل دهد. نخستین جلسه این گروه در ۲۲ فوریه ۱۹۸۱ (۳ اسفند ماه ۵۹) در لندن برگزار شد.   
۲- گروه ضدانقلابی «سپند»، که در واقع سازمان جوانان ضدانقلاب را تشکیل میدهد، بر فعالیت خود در خارج از کشور افزوده است. اعضای این گروه بموازات تبلیغات وسیعی که علیه انقلاب به‌رآمانداخته‌اند، به جلسات مسلمانان انقلابی و نیز به جلسات اعضاء و هواداران حزب توده ایران، که در معرفی و دفاع از انقلاب تشکیل میشود، حمله می‌کنند. رهبری این گروه در دست فردی بنام جنابزاده و دو برادر بنام علی و علیرضا عطری قرار دارد.

۳- امپریالیسم آمریکا، و عوامل مستقیمش، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران توطئه میکنند، فعالیت‌های وسیعی را برای گسترش درگیری و تشنج در ایران آغاز کرده‌اند. ستاد اصلی ضدانقلاب سازمان یافته، که نقش مهمی در توطئه‌های اخیر ایفا می‌کند، در خارج از کشور قرار دارد. اطلاعات موثقی که از فعالیت این چنانیکاران بدست ما رسیده است، برخی از عناصر ضدانقلابی و نقشه‌های ضدانقلابی را چنین معرفی می‌کند:   
۱- نماینده مدنی، که فردی بنام مهندس ملکزاده است و در هتل «میر» May Fair لندن سکونت دارد، برای متحد کردن کلیه گروههای ضدانقلابی، از جمله سلطنت‌طلبان، فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. او تلاش میکند که یک گروه «متحده» از امینی، پختیار، اوپسی، جم، نیاوندی، خسروانی، آریانا و عده‌ای از روشنفکران ضدانقلابی فراری تشکیل دهد. نخستین جلسه این گروه در ۲۲ فوریه ۱۹۸۱ (۳ اسفند ماه ۵۹) در لندن برگزار شد.   
۲- گروه ضدانقلابی «سپند»، که در واقع سازمان جوانان ضدانقلاب را تشکیل میدهد، بر فعالیت خود در خارج از کشور افزوده است. اعضای این گروه بموازات تبلیغات وسیعی که علیه انقلاب به‌رآمانداخته‌اند، به جلسات مسلمانان انقلابی و نیز به جلسات اعضاء و هواداران حزب توده ایران، که در معرفی و دفاع از انقلاب تشکیل میشود، حمله می‌کنند. رهبری این گروه در دست فردی بنام جنابزاده و دو برادر بنام علی و علیرضا عطری قرار دارد.

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحده شویم!





### دردا می نیفتید...

**بقیه از صفحه ۱**

بینید که چون مار سبمگین به خاک میهن ما چنین می گستراند، زنجیره ای که ابتدای آن در کاخ سفید است و حلقه ای از آن در تیرین، حلقه ای دیگر در شیراز، حلقه بعدی در تهران و...

در برابر این نقشه خوفناک ضدانقلاب، خوشبختانه انقلاب هشیار است. انقلاب هر چند گرفتار چرت های ناشی از بی برنامه گی، انحصارطلبی و قشری گری است، اما نخته است. شیر غران بیدار است. می غرد و نقشه ضدانقلاب را فاش می کند. نیرنگی نیست که ضدانقلاب بکار ببندد و از جانب انقلاب فاش نشود. این سعادت است. ولی هیبت که این خوشبختی کامل نیست، زیرا از یکطرف ضدانقلاب و جاده صاف کن های ضد انقلاب بنام حمایت از رئیس جمهور عمل میکنند و رئیس جمهور متاسفانه هنوز نتولفته است خود را از این جنبه براندازی جدا کند؛ از طرف دیگر بدام افتادگانی چون «مجاهدین خلق» نیز هنوز نتوانسته اند خود را از جنبه براندازی جدا کنند. و سرانجام از جانب بخشی از نیروهای انقلابی مسلمان نقشه های ضدانقلاب افشاء میشود، اما چه بسیار که پیشداوری، کم تجربگی سیاسی، عدم توجه، تنگ نظری، انحصارطلبی و قشری گری، در همان حال که نقشه های ضدانقلاب را فاش می سازد، پندهائی از آن را به دست و پای برخی از انقلابیون می بندد. و همه اینها چیزی نیست غیر از پیروزی بخشی از نقشه های ضدانقلاب.

### \*\*\*

در اینجا ما میخواهیم به بررسی یک نقطه ضعف مشخص در جنبه انقلاب - که مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گرفته و میگیرد بپردازیم. راه دور نرویم. این کلیت راه، که اکنون دو سال است شاهد آن هستیم، در شرایط روز مشخص کنیم:

از مبتنیگ پیروان خط بسزونیسکی در امجدیه و از گردم آئی ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران، توطئه ضدانقلاب، با استفاده از این مراسم و یا جو حاکم بر آنها، برای گسترش آشوب و درگیری وارد مرحله تازه ای شده است. این توطئه را علاوه بر حزب توده ایران و فدائیان خلق (اکثریت) نیروهای انقلابی مسلمان هم افشاء کرده اند. از رئیس مجلس تا امام جمعه تهران، از نخست وزیر تا روزنامه های طرفدار انقلاب، از این توطئه شوم پرده گرفته اند. اما، همانطور که گفتیم، افشای نقشه کامل نیست. پندهائی از آن - نداشتند - بر دست و پای برخی از افشارگران این توطئه پیچیده است. محتوای این پندها چیزی نیست غیر از ارائه انواع و اقسام تئوریهای ضد انقلابی، آمریکائی، سیائی، پکنی، ساواکسی، موسادی، اپنلیچنت سرویسی و... بنام «مارکسیسم» هرکس که این روزها از خیابانهای تهران بگذرد، با یک دور تسبیح مائوئیست های آمریکائی روبرو میشود که تحت پوشش دهها نام بکلی مختلف، خواست های امپریالیسم آمریکا را فریاد میکنند. این بلندگوهای زنده، که از دهانشان فریادقوئی سرمایه داری جهانی بگوش میرسد، خسود را «مارکسیست» می خوانند. اینان که در بین آنها جوانان فریب خورده هم وجود دارند، که بنابر خصلت طبقاتی خود، در آشفته بازار روز، خرمره را پهای صدف به آنها قالب کرده اند، تندترین شمارها را میدهند. از مارکس و انگلس و لنین، نقل قول هایی پریده از زمان و مکان خود را بدنبال هم ردیف می کنند. سرشان برود، کلمه «کارگر» یادشان نمیرود. و حتی پسرچم داس و چکش

### دلآوری های خلق...

**بقیه از صفحه ۱**

سینه تانک دشمن پیش میرفت، آنرا منهدم می کرد و یازمیکشت. هر وقت صحبت شیبخون بود، عبدالنبی داوطلب اول بود. حالا داشت حرف میزد:

«انقلاب که شد، به خودم گفتم حالا نوبت ماست. گفتم به دیگره ظلم. گفتم این انقلاب کارگراست. توی انقلاب چشم حسابی بساز شد، شاه را شناختم. سرمایه دار را شناختم. فهمیدم همانوقت که زیر کوره خورشید، بند بندم می لرزید و دلم از گرسنگی چندروزه ازجا کنیده میشد، سرمایه دارها از قبل بکار من توی گیش عیاشی می کردند. فهمیدم که باید بند را ازبازایم بردارم. بعد شاه سرنگون شد، آنوقت یادگرفتم که انقلاب تازه شروع شده. فهمیدم که باید آمریکا را ریشه کن کرد، که عامل همه بدبختی هاست. این بود که تا جنگ شروع شد، راه اقدام. زلم گریه کرد و گفت نرو. من گفتم زن! تا انقلاب پیروز نشه، هیچ چیز عوض نمیشه. یا باید جان بکنیم و بعد هم بگیریم. اگر من مردم، عیبی ندارد. درعرض کارگرای دیگره نجات پیدا می کنند».

می دیدم خشم از چشمهایش شعله می کشد. بعد بلند شد و گفت:

«موفق بشید. استراحت زیادی برای ما حرامه. باید رفت و جنگید». از سنگر که رفت، غرش تویخانه دشمن باردیگر شروع شد.

### \*\*\*

در بیمارستان چشم را که باز کردم، تازه فهمیدم چه شده است. گلوله دشمن چندجای تنم را دریده بود. آنروز به دشمن حمله کردیم. دشمن تا دندان مجهز بود. من و رفیق حجت مسلسل داشتیم. عبدالنبی سواربر چیب بود. برایش که دست تکان دادم، مثل شیر غرید. بعد تهاجم شروع شد. اول دیدم که رفیق حجت افتاد. بعد برقی پیش چشم زد و دیگر چیزی نفهمیدم. حالا در بیمارستان بودم. مکان که خوردم، همه استخوانهایم تیر کشید.

حجت؟ چشمهایم پسر اشک شد. گفت:

«امروز صبح شهید شد. گفتیم: عبدالنبی؟ صدائی از سمت چپم گفت: من اینجا. خوشحالم. بالاخره بهوش آمدم».

سرم را بر گرداندم. عبدالنبی، همانطور که دراز کشیده بود، لبخند میزد. دستش را تکان داد و گفت:

در مقاله «کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری توطئه ضدانقلاب است» که در شماره ۴۶۴ مورخ ۱۹ اسفند ۵۹ به چاپ رسیده، جمله «مثلا

### به رزمندگان تمام جیبها ما

## جنگ عادلانه

**نیک دانم، جنگی - آلیاژ آهن و فولاد و خون و مرگ - نقرت انگیز است**

**آری، اما من برای صلح می جنگم**

**راستی را جنگ در راه انکسیت جنگست، چه دلایز است!**

### نارزند

کنیم. روزنامه ها را زیر لیامب گذاشتم و دیدم. شبی زیر باران خمپاره دشمن بود. اول خودم را به سنگر خیابان رسانیدم. روزنامه ها را دادم. یکی از رفقا شروع کرد به بلند بلند خواندن آن و دیگران میزدیدند. این تازه نبود. کاریمان همیشه اینی بود. واژه های تازه «مردم» گلوله میشد و یا آنرا بر پیکر دشمن می نشاندیم. از سنگر بیرون آمدیم و سرعت شروع به دویدن کردیم. تا به سنگرهای دیگر برویم. نزدیک سنگر بقدی، یک تانک ایرانی رد شد و دشمن آن را به خمپاره بست. خودم را روی زمین پرت کردم. دستم روی روزنامه ها بود. تکران جانم نبود. هر اسم از خراب شدن روزنامه ها بود. همینکه بلند شدم باز گلوله باران شروع شد. دوباره روی زمین شیرجه رفتم. بعد سینه خیز راه اقدام. بلند میشدم و دوباره روی زمین شیرجه میرفتم. چندبار این کار از کنار عبور کرد. دهان سیرد می کشیدم. اشک را جیبم می کشیدم. تکران روزنامه ها بودم. گه یا آخرین شیرجه خودم را توی سبک نقدی انداختیم. رفقا پرسیدند:

«چکار می کنی؟ عبدالنبی لبخندی زد و سکوت کرد».

یک هفته بعد، عبدالنبی ناپدید شد. همه جا پیچید که خودش را رسانده به جیب، تا با دشمن بجنگد.

### اشک و لبخند شهید

نامه «مردم» تازه رسیده بود. در سنگرهای خونین شهر بیا متجاوزان می جنگیدیم. من مامور پخش روزنامه بودم. روزنامه که رسید، معطل نکردم. راه اقدام. می دانستم رفقای صبرانه در انتظارند. نامه «مردم» چلچله بود که به سنگرها مرده بهار می آورد نامه «مردم» نیرو بود که در خونمان می دود. روزنامه را که در عمق سنگر ورق می زدیم، هر کدام یک وارطان بودیم. یک روز نامه «مردم» نیرو می گرفتیم. تا تیرا می باشیم، تا سیاهک باشیم، و پرگرافتج تیرک کرده است.

### تصحیح

بابت صحیح چنین است: «مثلا کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پنج ماه است حقوق دریافت نداشتند، دو اشتباه چاپی دارد که بدینوسیله تصحیح می گردد».

کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پنج ماه است حقوق دریافت نداشتند، دو اشتباه چاپی دارد که بدینوسیله تصحیح می گردد».

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!**

رفیق نورالدین کیانوری

# تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا است

پوشش و پاسخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۹

از همان جا دشمن نیروهای براندازی - می تواند وارد بشوند بیشت جبهه نیروهای پایدار و رخنه بکنند و از داخل این جبهه را دچار سستی بکنند و از داخل منفجرش بکنند. اینکه رنجبر نوشته که جبهه مقاومت، جبهه پایداری، جبهه حاکمیت کنونی متزلزل است و از درون پوسیده است و می شود از درون آنرا منفجر کرده يك استراتژی امپریالیسم و ارتجاع هست که میخواهد به اشکال مختلفه راه پیدا بکند به درون این جبهه پایداری نیروهای انقلابی، به درون دستگاه حاکمیت و از درون به اشکال مختلف چه با افراطی گری و آن شیوه های کارفرار آوردن به نیروهای مترقی، نیروهای واقعا وطن پرست که علاقمند هستند این حمله امپریالیسم را درهم شکنند، چه از راه های مختلف تخریبی به عنوان جلوگیری از انجام تصمیمات درست دولتی، تخریب در توزیع کالاها، تخریب در این که مجازات بشوند خیانت کاران، تخریب در تحقیق و دنباله گیری دسیسه ها و توطئه ها، و به اشکال مختلفه دیگر فلج بکنند عمل حاکمیت کنونی را. ما در این زمینه هم دلائل زیاد در اختیار مقامات جمهوری اسلامی گذاشته ایم، و هم اطلاعات وسیعی پیدا کرده ایم. من خیال می کنم که بر اساس مجموعه اطلاعات و دلائلی که به خود رهبری انقلاب هم رسیده است، امام بارها تکرار کرده اند که دشمن توانست است عناصر خودش را در همه نهادها وارد بکند، در کمیته ها بصورت پاسدار وارد بکنند، در دادگاه ها وارد بکنند، حتی در میان روحانیون به عنوان روحانی نما این ها را جا بزند و به وسیله آنها همان طوری که اخیرا محاکمه یکی از حکام شرع یکی از شهرستان های ایران نشان داد به وسیله آنها انقلاب ایران را بدنام کنند و حاکمیت انقلابی را تضعیف بکنند و زمینه را برای روگردان شدن مردم از انقلاب و گرایش آنها به طرف ضدانقلاب یا اقل به لیبرال ها آماده بکنند این مبارزه دوطرفه ای است که ارتجاع انجام می دهد این مبارزه را به طور استراتژیک در مجموعه جامعه ما از همان اولین روز انقلاب ضدانقلاب و ساواک شروع کرد به رخنه در نهادهای انقلابی، در دستگاه های دولتی و در این زمینه کاره ما باید بگوییم که امپریالیسم هم سابقه فوق العاده طولانی دارد و هم امکانات زیاد دارد. وقتی امپریالیسم توانست کسانی مانند پختیار را ده سال در یک جانی مثل سازمانی که طرفدار مصدق است نگه دارد، وقتی دبیر اول حزب ایران جاسوس ساواک بوده است و برای ساواک خبرچینی می کرده است، وقتی امثال نژی و امیرانتظام و در یادار علوی و مقدم مراغه ای و غیره را توانست در رهبری دولتی پس از انقلاب جا بزند و به وسیله این ها سیاست خودش را اعمال بکند، به نظر ما امپریالیسم به خصوص از مدت ها پیش به این طرف کوشش کرده است امثال بقایی ها را که ضربه به جنبش مصدق زدند در جاهای بسیار حساس بنشانند و به وسیله آنها از دو راه، از دوجا، ضربه های خودش را وارد بکنند.

## شیوه تحریک و آتش افروزی

دریک اطلاع دقیقی که از کار گروه های ساواکی برای یکی از این نمایش ها بدست ما رسید مطلع شدیم که اینها، دویختی کرده بودند افراد خودشان را، یک بخشی از اینها می بایستی بصورت حزب الهی عمل بکنند و یک بخش از اینها بصورت حزب چپا و مجاهدین عمل بکنند تا قوی میدان همه را به چنان هم بیندازند وقتی همه را به چنان هم انداختند، بکشند کنار. این ماموریتی بوده است که ما به طور مشخص با اسم و آدرس و همه چیز آن افرادی که برای این کار آماده می شدند دوشب قبلا - از اش اطلاع پیدا کردیم. این سیاست، این شیوه کار، امروز نیست، این سیاستی است که ارتجاع در تمام دوران تاریخ به کار برده و در یک جانی شروع بکنند به دادن شعارها، به انجام بعضی حرکات که نیروهای موجود را عصبانی کند تا این عصبانیت بشکل بدی بروز کند، به نظر ما ساواک الان در دوطرف دارد کار می کند که بصورت موافقت با این شخصیت وهم بصورت مخالفت با این شخصیت و به اندازه کافی وقتی آتش را روشن کرد و طرفین را به چنان هم انداخت کار خودش را کرده است و به مرحله بعدی خواهد شتافت. در حمله ای که به حزب توده ایران شد به طور مشخص با اطلاعات دقیقی که در اختیار هیئت حاکمه گذاشتیم، معلوم شد که در آن حمله هم ساواکی ها بودند وهم گول خورده ها و بازی خورده های جوان بنام حزب الهی که خوب این بازی خورده ها واقعا آلت دست آن ساواکی ها قرار گرفته

در ۱۷ شهریور شاهد جریاناتی نظیر این بودیم. در این دوران اخیر بایستی گفت تظاهرات ۲۲ بهمن، تظاهرات امجدیه، ۱۴ اسفند ساز روز فوت دکتر مصدق این سناریو این نمایشنامه به طور دقیق به مورد اجرا درآمد.

## جبهه براندازی انقلاب

این نمایشنامه همانطور که در اعلامیه حزب توده ایران گفته شده است نیروهای اصلی اش برای ما کاملا روشن هستند، که همان جبهه براندازی است، که بوسیله امپریالیسم آمریکا هدایت میشود و متشکل است از ضدانقلاب با تمام اجزایش، ضد انقلاب سازمان یافته نیروهای سرسپرده به امپریالیسم آمریکا و رژیم آریامهری، بعد مائوئیست ها هستند، پیکاریها و رنجبرها، که اینها گروه های ضربتی امپریالیسم آمریکا در ایران هستند، باقیافه چپ و باقیافه اصلاح کومونیستی برای بدنام کردن کومونیستها در ایران و بعد سرمایه داری لیبرال ایران هست که جزء اقتصادیش گردانندگان بازار همین غارتگران، همین هائی هستند که زندگی مردم را این جور تحت فشار گذاشته اند و خون مردم را زالوار می کنند و دلالان و میدان داران و غیره و نمایندگان سیاسی شان، نهضت آزادی و جبهه ملی و سازمان بورژوازی لیبرال ایران و یک عده گروهکهای چپ و راست و کج و کوله دیگر، همه اینها نیروی اصلی این طیف براندازی هستند. همانطور که ما بارها گفتیم ما با جبهه نگاه می کنیم که آقای رئیس جمهور برخلاف تمام تمهیداتی که در دوران انتخابات رئیس جمهور، در دوران مدتی هم بعد از انتخابات در راه مبارزه در جهت انقلاب به مردم ایران دادند و با وجودی که می بینند این نیروها، نیروهایی هستند که به تمام معنی در جهت سیاست آمریکا برای براندازی انقلاب کار می کنند چرا تا بحال از این نیروها فاصله نگرفته اند و به طور مشخص خودشان را از اینها جدا نکرده اند و چرا تمام این نیروهای نظیر رنجبر را که خودشان را جزء نیروی ضربتی آقای بنی صدر، رئیس جمهور می دانند، از خود دور نکرده اند وجدایی خودشان را با این نیروها در برابر مردم ایران اعلام نکرده اند. دومین چیزی که برای ما تاسف آور هست همکاری سازمان مجاهدین خلق است با این جبهه براندازی که هدفش در صورتی که موفق بشود جز درهم شکستن انقلاب ایران و بدون تردید درهم شکستن و خرد کردن همان سازمان مجاهدین خلق و همان نیروهایی که الان خیال می کنند که از این راه می توانند به انقلاب ایران خدمت کنند، نیست. ولی خوب دیگر تاسف زیاد تأثیر ندارد ما بارها این مسئله را تکرار کرده ایم ظاهرا سازمان مجاهدین خلق نه رهبریش و نه اکثریت افرادش در وضعی نیستند که چشمشان را بتوانند باز کنند و حقیقی که الان در مقابل چشمشان می گذرد ببینند. ببینند که چه جور آنها در جبهه ای افتاده اند که در آن جبهه همه نیروهای ضد انقلاب برای هدف های امپریالیسم آمریکا مشغول فعالیت اند. اینست ارزیابی ما نسبت به لحظه. همانطور که گفتیم به نظر ما با اطلاعاتی که ما داریم آنچه که در تهران گذشت گوشه ای از این توطئه عظیم است.

## کودتای خرندهای در دست انجام است

این توطئه دیگر مثل کودتای نوزده يك توطئه یک روزی نیست، مثل حمله به طبس يك ضربت غیر منتظره نیست، این توطئه کودتای خرنده ایست که با تمام نیروی خودش، در تمام وسعت خودش دارد کار می کند. البته این يك طرف معامله است طرف دیگر معامله عبارت است از این که مردم انقلابی ایران هر روز بیشتر به زرفا و به پهنای این توطئه و خطری که از این توطئه مجموعه انقلاب ایران را تهدید می کند پی می برند و ما عقیده داریم که این آن نیروی عظیمی هست که قدرت مقاومت و درهم شکستن این توطئه را به وجود خواهد آورد و تمام فعالیت حزب توده ایران هم بایستی در این جهت باشد، در جهت تجهیز این نیروی عظیم خلقی و مردمی و توده ای باشد که بالقوه مخالف پیش روی چنین توطئه ای هستند و بایستی بالفعل به میدان مبارزه بیایند برای جلوگیری و درهم شکستن این توطئه. به نظر ما این جا وظایف گردان های مختلف این نیروهای مقاومت، نیروی پایداری، جبهه پایداری متفاوت است و اگر هر يك از این گردان ها در هر يك از آن محیطی که برای فعالیت دارند وظایف خودشان را انجام ندهند تمام جبهه پایداری به خطر می افتد. در این جا دولت و مجلس وظایفی دارند سازمانها و نهادهای انقلابی وظایفی دارند، سازمان های سیاسی وظایفی دارند، هر کدام از اینها بایستی در جای خود به وظایف خودشان عمل بکنند. اگر یکی از اینها هم به وظایف خودش که يك طرف جبهه هست خوب عمل نکند و کوتاهی بکند، نواقص و کمبودهایی داشته باشد تمام حبه را بدون شك به خطر می اندازد. برای اینکه

کارگر تا روشن فکر از بازاری تایشور تا روحانی همه و همه از این غاصبین قدرت سیاسی، از حاکمین مستبد متمایل به يك ابر قدرت (مقصود این هست که حاکمیت کنونی متمایل به شوروی شده و کومونیست شده) به تنگ آمده اند کاردار دیگر به استخوان نشان رسیده است، وقت آنست که از استقامت مردم به مبارزه مردم رو کنیم و با مبارزه و مبارزه و مبارزه قدرت عصب شده را باز پس بگیریم.

پس حزب رنجبران مائوئیستها که عمال امپریالیسم آمریکا در ایران هستند به طور صریح دعوت می کنند به آخرین نبرد برای گرفتن قدرت دولتی. شیوه اش را هم نشان می دهند و میگویند: اوضاع برای ادامه انقلاب مساعد است باید به خود جرئت دهیم بر تشکل و وحدت خود بیفزاییم درهه جا در برابر حلات حاکمیت مستبد باسیسم و سیاست مشت در مقابل مشت را به اجرا در آوریم. چنانچه در سراسر ایران ما متشکل شویم و اتحاد بزرگ خود را به وجود آوریم و دامن گسترش دهیم، بی پروا گرد مشت ما چنان مشت پر قدرتی می شود که هیچ نیرویی را برای مقاومت در برابرش نخواهد بود. مستبدین حاکم از درون پوسیده اند، آنها از مردم می ترسند و در مقابل مردم رسوا می شوند. اینها را روزنامه رنجبر یعنی ارگان دسیسه آمریکا می نویسد یعنی تمام نقشه ای که حالا ما شاهد اجزایش هستیم شرح داده شده است. جبهه متحدش را هم خودش توضیح داده، می نویسد:

«هر روز که می گذرد استبداد سرکوب دامنه اش گسترده تر می گردد هرج و مرج افزایش می یابد، وابستگی بیشتر می شود (مقصود وابستگی دولت کنونی هست به ابر قدرت شوروی) خطر تجزیه تمامیت ارضی کشور ما را تهدید می کند، اقتصاد کشور بحرانی تر می شود و در چنین احوالی که مردم حاضرند و موافق تغییر و اصلاح از مرحله استقامت، باید فراتر رفت و توده های مردم را برای کسب پیروزی هدایت نمود. آقای رئیس جمهور، شما در رهگذر تاریخ و توفیق سنجینی را به عهده گرفته اید و انحصار طلبان و مستبدین حاکم دیگر با عمال ابر قدرت روس همه گونه سازش و همسویی را به انجام رسانده اند. آنها با همکاری یکدیگر در بی کشاندن این انقلاب به شکست رفته اند اول از متحدین شما (یعنی متحدین آقای رئیس جمهور) و نیروهای سیاسی که از شما پشتیبانی کرده اند شروع نموده اند، به کلیه نیروهای ملی تحت عنوان ملی گرایان آمریکایی و به سوسیالیستهای انقلابی (یعنی این مائوئیستهای رنجبری) تحت عنوان مائوئیستهای آمریکایی (که شغل واقعی شان را ما تعریف کردیم) به نیروهای اسلامی اصیل تحت عنوان لیبرالهای ضد خط امام و در خط آمریکا حمله ور شده اند و به سرکوب خونین آنها مشغولند.»

پس اینطور جبهه مخالف خودشان را هم نشان داده اند، جبهه متحد خودشان را هم که تعریف کرده اند. در این جبهه مائوئیستها هستند و لیبرالها هستند و ورشکستگان سیاسی که هنوز امیدوارند که قدرت را بگیرند. بعد مینویسند: «حزب ما (یعنی حزب رنجبران مائوئیستها) که مدتهاست به این جریان حاکم پی برده، تحقیق و بررسی همه جانبه ای در مورد همکاری و همبستگی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - که هر روز به ما فحش می دهد، حزب توده ایران، چریکهای اکثریت و گروه امت نموده است و نیک می داند که این جریان همان جریان مستبدین حاکم متمایل به روس است یعنی تمام رهبری جمهوری اسلامی، روحانیت مبارزه، مستبدین متمایل به روس هستند و در جبهه متحد حزب توده ایران و چریکهای اکثریت همکاری می کنند و باید آنها را سرکوب کرد. خلاصه نظر این است: حزب ما - یعنی حزب رنجبر - معتقد است که امسال را باید به سال مبارزه و پیروزی تبدیل کرد اکثریت مردم ما قدرتمندند چنانچه آنها متشکل شوند و وحدت کنونی خود را انجام بدهند حتما قادرند که با قدرت لایزال خود مشت کوچک مستبدین حاکم را از اریکه قدرت به زیر کشند و به این دوره خودکامگی و هرج و مرج خاتمه بخشند. آقای رئیس جمهور مردم را به مبارزه و کسب پیروزی دعوت کنید، مردم حاضرند همراه شما قیام کنند و انقلاب بزرگ پیرومندان را بار دیگر در مسیر استقلال، آزادی و شعار نه شرقی نه غربی قرار دهند.»

با این قرار معلوم شد که انقلاب اول مال آقای رئیس جمهور است و مال کسی دیگری نیست، ملت ایران دخالتی نداشته، بعد هم آقای رئیس جمهور کافی است دعوت بکنند تا تمام نیروهایی که رنجبر معرفی کرده و رویشان تکیه کرده به میدان جنگ بیایند. خوب ما می بینیم که يك سناریوی کامل تدارک دیده شده و تمام اجزایش قدم به قدم به موقع اجرا گذاشته می شود. ۲۲ بهمن جزئی از این نقشه اجرا شد، قبل از آن هم البته در روز عاشورا و یازم قبل از آن

سؤال: نظر حزب توده ایران درباره میتینگ روز پنجشنبه (۱۴ اسفند ۱۳۵۹) دانشگاه و حوادث مشابه روزهای اخیر چیست؟  
جواب: همانطور که در پاسخ حملات رئیس جمهور به حزب توده ایران در روز عاشورا نشان دادیم، الان توطئه هفتم آمریکا، که خطوط کلی آنرا ریگان و سایر سیاستمداران آمریکا تعیین کرده اند، در حال اجراست.

## بقای حاکمیت انقلابی در ایران با منافع آمریکا مغایرت دارد

خطوط این توطئه بطور کلی چه بود؟ همانطور که میدانیم آقای ریگان، پس از آنکه به قدرت رسید به طور خیلی روشن بیان کرد که حاکمیت کنونی ایران باید سرنگون شود و دولتی متشکل از «میانه» روهاء دولتی از «متدلها و عقلا» روی کار بیاید، تا در جهت بهبود مناسبات با آمریکا قدم بردارد. یا همانطور که یکی از مشاوران سیاست خارجی آمریکا گفت بقای حاکمیت کنونی ایران که بقول او در اکثریت کنونی مجلس و دولت کنونی آقای رجایی متبلور میشود، با منافع حیاتی آمریکا مغایرت دارد و باید بهر شکل شده سرنگون شود. راه این سرنگونی را هم چندی پیش در فیلم تلویزیونی، که در تلویزیون آمریکا نشان داده شده، نشان دادند. بدین ترتیب که باید در ایران اغتشاشات و تشنجات داخلی توسعه پیدا کند، از جمله میخواستند بازار را تعطیل کنند و مدارس را به تعطیل بکشانند. یعنی قصد آنست که بهر شکل شده است از ثبات اوضاع ایران جلوگیری شود و با استفاده از دشواریهایی که در نتیجه تجاوز امپریالیسم آمریکا و صدام بوجود آمده است، وضع سیاسی ایران متزلزل و شرایط برای روی کار آوردن لیبرالها آماده گردد. همان لیبرالهایی، که این روزها همه جا خود را معرفی می کنند: بازمانده های دولت دکام به گام و مائوئیستهای رنکارنگ اطراف آنها.

## هدف آمریکا بازگشت بدوران گذشته، در چند مرحله است

از یکی از گفتارهای دیگر سیاستمداران آمریکایی به طور مشخص اینطور معلوم است که آنها میدوار هستند تشنج داخلی ایران تا حد بروز جنگهای داخلی در ایران توسعه پیدا بکند و آمریکا آماده هست که در صورت بروز جنگ داخلی در ایران نیروهای خودش را در ایران پیاده بکند برای کمک به آن طرفی که در جهت سازش و همکاری با سیاست آمریکاست. ضدانقلاب ایران هم که هم در داخل سازماندهی خودش را بیشتر توسعه می دهد و هم در خارج آماده همین لحظات بحرانی در اوضاع داخلی ایران هست تا وارد عمل شود.

به این ترتیب جریان این توطئه هفتم عیارست از متزلزل کردن نظام اجتماعی جمهوری اسلامی در شکل گیری خودش، آماده کردن زمینه برای یک تغییر بنیادی به سود هواداران سیاست آمریکا. حداقل این تغییر به صورت روی کار آوردن يك دولت گام به گام میانه روهاء از بورژوازی لیبرال هست که سیاستی آنطور که آقای هلمز در روزهای اخیر مشخص کرد سیاست تحکیم دوستی با آمریکا است و تجدید مناسبات گذشته است و حداکثرش این هست که بتواند رژیم ضدانقلابی را در ایران دومرتبه مستقر بکند و اویسی و بختیار و هینالکی های شان را به ایران بیاورد. البته هنوز برای ضدانقلاب و برای امپریالیسم زود است که بتواند آن نقشه آخری خود را اجرا کند، آن امید آخری خودش را به کرسی بنشانند و حتما کوشش خواهد کرد که این بازگشت به دوران گذشته را اگر موفق بشود در چند مرحله انجام بدهد يك مرحله جاده صاف کنی به وسیله بورژوازی ملی و بعد مراحل تکمیلی آن که استقرار مجدد همان وضع گذشته در ایران هست. خوب این نقشه دیگر الان دو سه ماه هست که تمام اطرافش کاملا مشخص است. در ایران هم ما تقریباً می بینیم که طرح ریزی این نقشه در روزنامه ای که ارتباطش با دسیسه های آمریکا و دستگاه های جاسوسی آمریکا دیگر بدون تردید هست یعنی در روزنامه رنجبر، مائوئیستها، که مستقیماً بایستی آنرا زبان دسیسه های آمریکا دانست، به طور مشخص آمده است.

## سناریوی کامل را «رنجبر» ارائه کرده است

قبل از تظاهرات ۲۲ بهمن، در شماره شانزده بهمن این روزنامه ما به طور دقیق این نقشه را به عنوان اعلامیه حزب رنجبران ایران میخوانیم که میگوید: «توده های مردم ایران از روستا تا شهر، از



# از فعالیت ضدانقلاب در کارخانه «بنز خاور» جلوگیری کنید

**\* کارگران باید عناصر ضدانقلاب را از میان خود طرد کنند و هرگونه زمینه فعالیت ضدانقلاب را از بین ببرند.**

از سوی مقامات مسئول بصیبات، اطع و جدی در رفع مشکلات گرفته نمی شود. ولی این نیز نادرست است که در شرایط کنونی، از طریق شیوه های حاد مبارزه برای تأمین خواست ها استفاده شود و کم کاری و اعتصاب به میان آید. در حالی که بی تردید، شرایط ویژه محکم می کند که سطح تولید بالاتر رود و کاری فزون تر از گذشته انجام شود. کارگران باید با مسائل موجود، به شیوه های انقلابی و با بینش اصولی و عمیق برخورد کنند و در دام توطئه ها و تحریکات ضدانقلاب نیافتند.

که به علت اشتباهات و ندانم کاری های مسئولان به وجود آمده است، علیه انقلاب سود می برد. کوناهای در مورد تدوین قانون جدید کار، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، مسائل مربوط به سود ویژه، ماده ۳۳ قانون کار و غیره ناراضی هایی را در بین کارگران ایجاد کرده است و این زمینه ساز فعالیت ضد انقلاب در کارخانه بوده است.

برای جلوگیری از فعالیت ضد انقلاب، ضرور است که اقداماتی جدی صورت گیرد، که بعضا عبارتست از: - طرح و تدوین قانون جدید کار، که در برگیرنده خواست های قانونی کارگران باشد،

- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، - تعیین میزان پرداخت سود ویژه و تعیین تکلیف ماده ۳۳ قانون کار. این اقدام ها زمینه های فعالیت ضدانقلاب را کم و محدود می کند. اما برای پایان بخشیدن به فعالیت ضد

شده بود، انجمن اسلامی کارخانه نیز اطلاعاتی صادر کرد که در آن، ضمن افشای ماهیت این عناصر و خرابکاری های که در کارخانه انجام می دهند، با اشاره به گروهک ضدانقلابی، گفته بود:

"اگر راست می گوید و در عقیده و افکار خود صادقید و به جایی و به کسی وابسته نیستید، و خلاصه اگر یکی در گفتش ندارید، مطالب خود را در مجمع عمومی کارکنان بیان کنید و یا در دفتر کار برادران اعضا شورا حضورا نظرات و پیشنهادات خود را با آن ها در میان گذارید."

- انجمن اسلامی ضمن احترام به اصل آزادی عقیده و بیان و انتقاد سارنده هرگونه فعالیت مخفی و دزدانه را علیه شورا توطئه های در جهت تضعیف نمایندگان کارکنان دانسته و آن را شدیداً محکوم می نماید.

خرابکارانه این عضو شورا خود، مناسفانه با اوقاطعانه مقابله نمی کند. در ارتباط با مسائل موجود در کارخانه، شورا تصمیم دارد پنجاه تومان از هر کارگر برای صندوق شورا (در واقع برای صندوق اعتصاب) بگیرد. اقدام فوق گامی است در تحقق خواست عضو توطئه گرشورا و اقدام های ضدانقلابی او برای ایجاد جو مناسب

**\* عناصر ضدانقلاب، با سوء استفاده از ناپسندیمها و کمبودها، زمینه اعتصاب و کم کاری و تعطیل شدن کارخانه را مهیا می کنند.**

در جهت به اعتصاب کشاندن کارگران و تعطیل کردن کارخانه.

**پخش اعلامیه ضدانقلابی در کارخانه**

چند روز پس از سخنرانی این عضو شورا در حضور کارگران، اعلامیه ای تحت عنوان "بیهانه های شورا" از سوی گروهکی ضدانقلابی به نام "هسته اتحاد کارگر" پخش شد، که نوشته های آن شباهت عجیبی (منهای موضع گیری های آن در برابر شورا) با سخنان شخص مذکور داشت. در این اعلامیه نیز از کارگران خواسته شده بود تا "صندوق اعتصاب" را تشکیل دهند و در مقابل شورا ایستادگی کنند!

از شواهد چنین برمی آید که این گروهک، علیرغم موضع گیری سرسختانه خود در برابر شورا، دقیقاً خواست های این عضو نفوذ شورا را بیان می کند، و این سؤال انگیز است.

**اطلاعیه انجمن اسلامی**

در ارتباط با اطلاعیه ای که از سوی ضدانقلاب در سطح کارخانه پخش

شدانقلاب در کارخانه "بنز خاور" در تدارک اعتصاب و آشوبگری است. مدتی است که ضدانقلاب در کارخانه "بنز خاور" فعالیت خود را افزایش داده است و با انواع تحریکات سعی دارد کارگران را به اعتصاب بکشاند. در این میان نقش عناصر ضدانقلاب، که به داخل نهادهای صنفی کارگران و شورا نفوذ کرده اند، حائز اهمیت است.

این عناصر، با انواع تحریکات، از ناپسندیمها و کمبودها سود می جویند و زمینه های اعتصاب و کم کاری و تعطیل شدن کارخانه را مهیا می کنند.

از جمله تحریکاتی که توسط یکی از اعضا مهم شورا صورت می گیرد، تشویق کارگران به اعتصاب و تشکیل صندوق اعتصاب است، که در این مورد می توان از سخنرانی وی در یکی از جلسه های کارگران در تاریخ ۱۸ بهمن، که به دعوت شورای کارخانه انجام شد، نام برد. در این جلسه "این عضو شورا" با مطرح کردن مسئله سود ویژه، تصمیمات دولت مبنی بر پرداخت دو ماه پاداش را به عنوان "علی الحساب" قبول کرد، او هم چنین ضمن طرح برنامه طبقه بندی مشاغل، برای گرفتن این حق قانونی کارگران، حربه اعتصاب و کم کاری را پیشنهاد کرد و گفت:

"اما چون ما صندوق اعتصاب نداریم و نمی توانیم در صورت اعتصاب کارگران را از نظر مالی تأمین کنیم، نمی توانیم در این شرایط اعتصاب کنیم!"

در اینجا بدنیست اشاره ای به شورا داشته باشیم، که علیرغم اقدامهای

**\* باید علاوه بر حل مشکلات داخلی کارخانه، عناصر ضدانقلاب را، که در نپاذهای صنفی کارگران نفوذ کرده اند، پاکسازی کرد.**

این پیشنهاد "انجمن اسلامی" کارخانه درست است که کارگران برای بیان نظریات و پیشنهاد های خود به شورا و نمایندگان خود مراجعه کنند و مسائل خود را با آن ها مطرح کنند، تا از این طریق و با تماس با مقامات مسئول در رفع مشکلات موجود بکوشند. هم چنین کارگران باید عناصر ضد انقلابی را از میان خود طرد کنند و هرگونه زمینه فعالیت آنان را از بین ببرند.

امید است با اقدام های مثبت، چهار طرف کارگران و چهار طرف مسئولان، کارخانه "بنز خاور" از ناپسندیمها و نجات یابد.

انقلاب، باید علاوه بر حل مشکلات داخلی کارخانه ها، عناصر ضدانقلاب را، که به داخل نهادهای صنفی کارگران، شوراها و هم چنین مدیریت کارخانه ها نفوذ کرده اند، پاکسازی کرد، در برورد با کارگران نیز مسائل مطرح شده را باید با خود کارگران در میان گذاشت و شرایط را برای آن ها توضیح داد و از آن ها باری گرفت.

**چند کلمه ای با کارگران**

کارگران، نیز وظیفه سنگینی را در شرایط کنونی بر عهده دارند. درست است که کمبودها و نارسایی هایی دیده می شود و درست است که در مواردی،

**سخنی با مسئولان**

وضع کارخانه "بنز خاور"، بحرانی است و این بحران علل گوناگونی دارد: پس از پیروزی انقلاب، لازمه پیشرفت جامعه، پاکسازی کارخانه ها، مراکز تولیدی، ادارات و دیگر نهادهای دولتی و کشوری از ضد انقلاب و جلوگیری از فعالیت مخرب آن بود. اما مناسفانه نه تنها عناصر ضدانقلابی پاکسازی نشدند، بلکه فرصت یافتند تا در داخل نهادهای انقلابی نفوذ کنند و به کارشکنی و توطئه بپردازند.

ضدانقلاب در حال حاضر در "بنز خاور" فعال است و از کمبودهایی

## بارسیدگی بوضع کارگران اخراجی کارخانه کمپیدرو» از بروز تشنج در این واحد جلوگیری کنید

یادآوری کنیم. کارفرماها و مدیران کارخانه ها و شرکت ها، هر زمان که مایل باشند، قادرند کارگران را اخراج کنند و این به دلیل ماده کنایی ۳۳ قانون کار است، قانونی که در رژیم طاغوت حافظ منافع سرمایه داران و کارفرماها بود. پس از انقلاب این خواست کارگران، یعنی محو قوانین طاغوتی، حداقل چیزی بود که می باستی تأمین می شد. یکی از همین قوانین ماده ۳۳ قانون کار بود، کم کاری و مامشات - این مورد تاکنون باعث ایجاد نارضایتی ها و تشنجات بسیاری شده و زمینه مناسبی را برای فعالیت ضدانقلاب در محیط های کارگری بوجود آورده است.

اخراج کارگران تنها باید طبق ضوابط کارگری و با دخالت مستقیم نمایندگان کارگران صورت گیرد. در هر کارخانه وظیفه اخراج یا عدم اخراج کارگران بردوش سازمان ها و تشکیلات کارگری است و آنها هستند که در این مورد تصمیم می گیرند.

در کارخانه کمپیدرو نیز اخراج ۵ کارگر و جریمه یکی دیگر، باعث تشنج و درگیری شد. مدیر عامل به میل خود کارگران را جریمه می کند، اخراج می کند و به سر کار بازمی گرداند. و اینها همه طبق "قوانین" کارگری صورت می گیرد. مسئولین این وظیفه را دارنده کلاه تخاذل سیاسی درست و بارسیدگی به مشکلات کارگران کارخانه کمپیدرو جلوگیری از اعمال ضد کارگری، از بروز تشنجات بیشتر در کارخانه ممانعت به عمل آورند.

در پی اخراج ۵ تن از کارگران کارخانه "کمپیدرو" تیریز، جو متشنجی در کارخانه بوجود آمده است. با رسیدگی به مشکل کارگران اخراجی، باید از جوتشنج در کارخانه جلوگیری کرد.

کارخانه کمپیدرو، سازنده کسیرسور، پیستون، ابزارهای بادی و چکش های حفاری است و در "قره ملک" تیریز قرار دارد. چندی پیش مدیر عامل جدیدی برای کارخانه منصوب شد. با انتصاب مدیر عامل جدید، اختلافاتی بین کارگران و مدیر عامل بروز کرد، که باعث تشنج در کارخانه شد.

چندی پیش مدیر عامل دو نفر از کارگران را به جرم اینکه در ساعت کار به حمام رفته اند، به ده روز اخراج از کارخانه محکوم کرد، که در پی آن کارگران به اعتراض برخاستند. جریان درگیری به کمیته کشیده شد. در کمیته کارگران با ادای توضیحاتی، اجازه ورود به کارخانه و شروع به کار را گرفتند. ولی مدیر عامل یک نفر از کارگرانی را که به کمیته رفته بود، ۱۰ روز جریمه و ۵ نفر را نیز اخراج کرد.

کارگران اخراجی به این مناسبت، شکایتی به دادگاه معرفی کردند. از طرف دیگر این مسئله باعث ناراحتی کارگران شد، که ضدانقلاب به راحتی می تواند از آن در جهت هدف های خود سود برد. مسئله اخراج کارگران یکی از عمده ترین مسائل کارگری پس از انقلاب بوده و هست. ما در اینجا قصد بررسی علل اخراج کارگران را نداریم، بلکه می خواهیم وجود قوانین ضد کارگری را

## در «سازمان بهسازی و عمران جنوب» تشدید تشنج و نارضایتی با اخراج کارگران - بسود ضد انقلاب است

کارگری و بین زحمتکشان باشد، تا از این طریق، علاوه بر ایجاد جو ناپسندیمها و تشنجی بین کارگران، نارسایی ها و کمبودها نیز تشدید شوند. مدیران عامل و کارفرماها نیز غالباً "از افرادی هستند که به راحتی می توانند چنین نقشی را، که همانا ایجاد تشنج و درگیری است، ایفا کنند. برای جلوگیری از اقدامات خراب

**\* مدیران عامل نباید به خود حق بدهند که کارگران را اخراج کنند.**

قرارداد، به منظور جلوگیری از تشنج بیشتر در سازمان، کارگران قرارداد جدیدی را امضاء کردند، که زیر نظر نمایندگان خود آنان تدوین شده و به موافقت مدیر عامل نیز رسیده بود. اما پس از آن، مدیر عامل مجدداً به مخالفت پرداخت و گفت: "محتوای قرارداد رسا و کامل نیست و باید قرارداد جدیدی را که ما

تهران "از سازمانهای وابسته به شهر - داری تهران است. این سازمان به منظور انجام پاره ای فعالیت های عمرانی در جنوب شهر تهران تأسیس شده است. در این سازمان به علت فعالیت های ضدانقلاب بر نارضایتی های کارگران و تشنج محیط کار دامن زده می شود.

**\* فقط سندیکای کارگران، با در دست داشتن عذر موجه، می تواند در این زمینه تصمیم بگیرد.**

تهیه می کنیم، امضاء کنید". این عمل باعث نارضایتی کارگران شد، و خطر درگیری و اغتشاش از سوی محیط سازمان را فرا گرفت. ولی با کمک کارگران آگاه، با اتخاذ روش صحیح و اصولی، از این درگیری جلوگیری شد و کارگران با مراجعه به وزارت کار، مشکلات خود را با مسئولین مطرح

**\* در هر حال باید برای همه کارگران، همواره، کار وجود داشته باشد.**

کردند. کارگران پس از مدتی، در میان انواع پیشنهاد های اجرایی که از طرف گروهک های ضدانقلابی مطرح می شد، قراردادی را، که از طرف مدیر عامل تهیه شده بود، امضاء کردند. مدیر عامل نیز پس از امضای قرارداد، کارگران را اخراج کرد.

امروز، کشور ما درگیر مبارزه ای شدید با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی پرورده آن است. امپریالیسم آمریکا سعی دارد، هر جا که ممکن است توسط افرادی خود، آشوب و اغتشاش و درگیری بیاورد. دشمن خصوصاً سعی می کند این درگیریها در محیط های

در آبان ماه سال گذشته، این سازمان برای انجام پروژه های بخش پارکها و فضای سبز مبادرت با استخدام گروهی کارگر ساده و فنی بطور روزمزد کرد. این گروه طبق ضوابط مندرج در بخشنامه ای که از طرف شهرداری تهران صادر شده بود، می بایست بعد از ۸۹ روز اخراج شوند و کارگران جدیدی به جای آنها به سر کار آیند.

این بخشنامه از جانب مدیریت بخش پارکها با مخالفت روبرو شد، و بر اثر اقدامات این بخش از مدیریت، پس از اتمام ۸۹ روز، کارگران مجدداً به کار خود ادامه دادند.

این اقدام مخالفت بخش دیگری از مدیریت سازمان را به همراه داشت. اقدامات گروه اخیر به گونه ای است که محیط کار را به آشوب و کارگران را به اعتصاب و تحصن می کشاند. در ارتباط با این مسئله، و پس از انتقال مدیریت انقلابی (بخش پارکها) از سازمان، از ماه آبان سال جاری تا کنون دستمزد کارگران پرداخت نشده است، با این بهانه که چون کارگران تا بحال طبق قرارداد شفاهی به کار اشتغال داشته اند، برای روشن شدن وضع خود، باید قرارداد کتبی را امضاء می کردند، که طبق آن، کارفرما بخواهد هر موقع "صلاح" دید، کارگران را اخراج کند. پس از مخالفت کارگران با این

### گذری به دو روستای زرنند کرمان

#### حاضریم تمام زندگیمان را در اختیار برادران جنگ زده مناطق جنگی بگذاریم

#### اهالی روستا:

روستای ارجمندیه، که در ۴۰ کیلومتری زرنند از توابع استان کرمان واقع شده است، ۲۰ خانوار را دربر می گیرد، که اکثر خوش نشین و عده های نیز خرده مالک هستند. روستای مذکور تقریباً ۱۰ دهات اطراف زرنند در مالکیت بزرگ مالکی بنام حاج محمد ارجمندی بوده، که بعد از مرگش وراثت او رسیده است. (یکی از فرزندان این شخص، بنام هوشنگ ارجمندی، چندی قبل در جنگل های کرمان به همراه دکتر بیگانی که از اطرافان و مجریان اساسی کودتای ۲۸ مرداد است، دستگیر و پس از مدتی آزاد شد.)

این روستا دارای ۶۰ مکتب است که ۴ دستگاه آن متعلق به بزرگ مالکان و ۲ دستگاه هم در دست روستائیان است. یکی از این دو دستگاه، پس از پیروزی انقلاب، به کمک جهاد سازندگی نصب شده است. باینکه آب لوله کشی وجود دارد، ولی آب شورا است و برای تأمین

آب شیرین هنوز اقدامی انجام نشده است. این روستا هم چنین فاقد در مانگه و امکانات بهداشتی است و اهالی برای درمان باید به زرنند بروند. روستای ارجمندی امکانات تدریس تا کلاس پنجم ابتدائی را دارد، که ساختمان مدرسه آن در زلزله اخیر آسیب دیده است. دانش آموزان، پس از دوره دبستان، برای گذراندن راهنمایی به روستای نجف آباد می روند.

مردم ارجمندی پس از تجاوز رژیم صدام به ایران، که جزئی از توطئه آمریکا علیه انقلاب مابود، با وجود فقر زیاد، مقدار قابل توجهی پسته برای مناطق جنگی فرستاده اند و می گویند: "حاضریم زندگی خودمان را در اختیار برادران مناطق جنگ زده بگذاریم". امید است جهاد سازندگی و سایر مسئولین با اقدامات قاطع و انقلابی، از قبیل کمک به تشکیل شوراهای واقعی ده که متکی به خود دهقانان باشد، و اجرای

تمام و تمام قانون اصلاحات ارضی و همچنین رسیدگی به مسائل زندگی مردم این روستا، باعث شوند که دهقانان این پشتیبانان انقلاب در جبهه نبرد اقتصادی علیه آمریکا انقلاب را یاری کنند. محصول عمده روستای عزیزآباد در جنوب شرقی شهرستان زرنند کرمان، مانند سایر روستاهای زرنند، پسته است. حدود ۴۰ تا ۵۰ هکتار زمین باغات پسته این ده را تشکیل می دهد.

روستائیان تا کنون مقدار زیادی پسته جهت کمک به برادران جنگ زده به مناطق جنگی فرستاده اند. اینان نیز مانند سایر دهقانان منطقه می گفتند که: "حاضریم هرچه داریم در اختیار جنگ زدگان قرار دهیم".

این زحمتکشان پشتیبان اصلی انقلابند. اگر کمک لازم به آنها انجام شود، آنها با دلگرمی بیشتری به تولید خواهند پرداخت.

جهاد سازندگی را از جمله در شهرستان گلباگان - نداشتن با شند و با گذشت زمان، که زوال خود را مشاهده می کنند، توطئه های خود را گسترش دهند. این زحمتکشان روستا و شهرند که با تمام نیرو پشتیبان انقلاب و ارگان های انقلابی هستند، همچنان که در گلباگان نشان دادند. در این مورد نیز مردم روستائیان، با شور فراوان، از سر گرفتن فعالیت جهاد سازندگی را طلب کردند و به این خواست خود رسیدند.

دهقانان گلباگان امید دارند که با اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، تقاضای زمین گذشته را سر جای خود بنشانند و می طلبند که کماکان جهاد سازندگی هر چه بیشتر اقدامات انقلابی اش را با فعالیت بگیر گسترش دهد.

### توطئه بزرگ مالکان در گلباگان

یاری می رسانند. چندی پیش، در پی اهانت یکی از فرزندان فتوادال های منطقه به انقلاب و جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی قاطعانه به اعتراض برخاست و به نیروهای انقلابی هشدار داد و خواستار رسیدگی مسئولان قضائی شد. طبیعی است که دشمنان انقلاب و بزرگ مالکان چشم دیدن اقدامات

با گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران، ضد انقلابیون و طاغوتیان به تکاپو افتاده اند، تا مدتی دیگر هر چند کوتاه به مغارتگری و زورگویی ادامه دهند. در شهرستان گلباگان، فتوادالها و بزرگ مالکان، آتانی که یک عمر خون روستائیان را مکیدند، به فعالیت ضد انقلابی خود ادامه می دهند. آنها متأسفانه از حمایت بعضی از مراجع تقلید، که با اسلام راستین سرسازش ندارند و روحانی نمایانی که خواهان جایگزین شدن اسلام طاغوتی و آمریکائی به جای اسلام راستین امام خمینی هستند برخوردارند. خوشبختانه در برابر روحانیت متعهد و نهاد های انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، در مبارزه علیه ضد انقلابیون نقش مهمی را دارا هستند و با حمایت از دهقانان به انقلاب

### هر چه زودتر به دهقانان خوزستانی کمک برسائید

است. کمک نهادهای انقلابی و مقامات مسئول دولتی کاملاً ضروری است. مشکل دیگر دهقانان آفات نباتی است، که چون سم آفات نباتی خیلی گران است و کشاورزان قادر به خرید آن نیستند، خود مانع بزرگی است در راه فعالیت های کشاورزی. اما با تمام این تفاسیل، کشاورزان پارهای از دهات به ابتکار خود، با درک این مسئله (جنگ تحمیلی و فشار اقتصادی امپریالیسم) با ابتدائی ترین وسایل، پس از ۱۵ سال یا بیشتر، دوباره صیفی کاری را شروع کرده اند. تجربه بعضی از دهات، که با کمک و برنامهریزی شورای روستائی این کار را شروع کرده اند، بسیار خوب بوده، بطوریکه بصورت جمعی "بیشه زارها" را آباد کرده اند و بزرگش بردمانند.

رژیم گذشته اقتصاد کشاورزی استان را عامداً روبه نابودی برد، تا واحدهای سرمایه داری و اغلب وابسته به انحصارات امپریالیستی بوجود آورد و ایران را به یک کشور محتاج دائمی آمریکا بدل کند. دولت انقلابی اینک میتواند نشان دهد که، علیرغم جنگ تحمیلی و شرایط استثنائی، با تکیه به خود دهقانان و شوراهای ده و با اعطای کمک های بسیار ضروری، بویژه در مورد آب و سموم ضد آفات و وسایل کشت، نظیر کود و بذر و غیره، میتواند حتی در نزدیکی خط جبهه، کشاورزی شکوفائی را در این استان زرخیز پیام ریزی کند.

اعطای کمک های دولتی و تشویق دهقانان خوزستانی اهمیت حیاتی نمفقط از نظر اقتصادی، بلکه از نظر سیاسی نیز دارد.

### بزرگ مالک منطقه نوشهر در اندیشه خام و ضد انقلابی بازگشت رژیم گذشته است

یکی از بزرگ مالکان منطقه نوشهر تا صلاح الدین کلا، ۴۰ هکتار زمین دهقانان صلاح الدین کلا را در زمان شاه ملعون غصب کرده است. این زمین در حال حاضر بی مصرف رها شده و بر اثر علف های هرز است. دهقانان که صاحب واقعی زمین هستند، هر چه تلاش می کنند نمی توانند این ۴۰ هکتار را، از دست بزرگ مالک خارج سازند و به زیر کشت ببرند، با اینکه زمین مذکور، هم از آب کافی برخوردار است و هم مساعد کشت است، بزرگ مالک بر اساس اندیشه خام شایعه پراکنی و ضد انقلابی خود به دهقانان می گوید: "اگر دست به زمین بزنید، پس از سرنگونی این رژیم (۱) می دانم با شما چه کنم!"

لازم است که با واگذاری زمین به دهقانان، در اسرع وقت، آرزوی بزرگ مالکان به پاس میدل گردد و حق به دهقانان تهدیدت برسد. و از انقلاب، در عمل، دفاع شود.

### اهالی روستای «رودبارسا» آماده همکاری برای حل مسائل ده هستند

متعاقباً آمادگی خود را برای همکاری با شرکت برق منطقه ای اعلام کردند. ولی همانطور که در سایر جاهان نیز دیده شده، در این میان عده ای از عناصر وابسته به گروهک های چپ نما، با عنوان کردن این مطلب که اینگونه کارها مربوط به دولت است، کوشیدند در این کار اختلال کنند و جلوا تخادر مردم و همکاری آنها را بگیرند. اما نقشه آنها با هوشیاری روستائیان آگاه عقیم ماند. آنها دست رد به سینه چپ نماها، که در واقع آب به آسیاب دشمن می ریزند و موجب ناب رضائی دهقانان میشوند، زدند. و به این ترتیب اهالی این روستا بار دیگر آمادگی خود را جهت پیشبرد اهداف انقلاب ایران نشان دادند.

اهالی روستای "رودبارسا" برای گرفتن هرگونه بهانه ای از دست نفاق افکنان و شایعه پردازان، از مقامات مسئول شرکت برق منطقه ای می خواهند که هر چه زودتر امر برق رسانی به این روستا را به مورد اجرا بگذارند و دهقانان را به انقلاب و دستا وردهای آن امیدوار سازند.

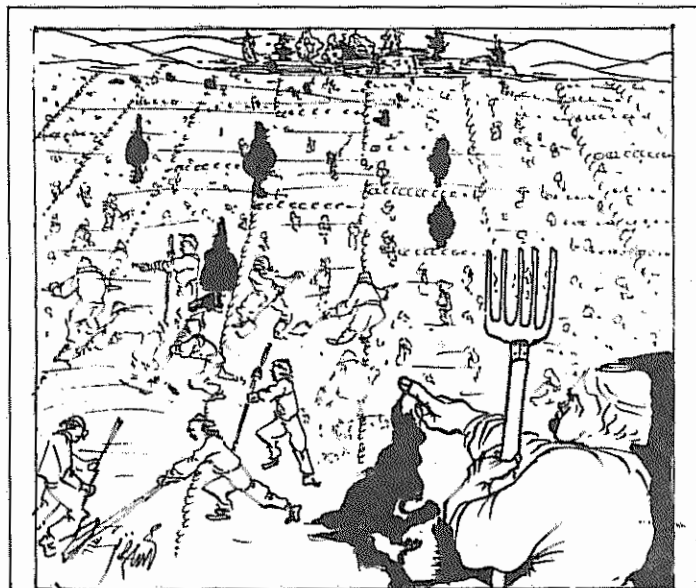
اهالی روستای رودبار سدا، هشتیر آمادگی خود را برای همکاری و کمک به شرکت برق منطقه ای جهت رساندن برق این روستا اعلام کردند. پیش از این قرار بود روستای "رودبارسا" تا پایان سال ۵۹ دارای برق شود. اما اکنون که چیزی به پایان سال جاری نمانده، هنوز هیچگونه اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

پس از مراجعات مکرر اهالی به مقامات مسئول برق منطقه ای استان گیلان، معلوم شد که بیما تکار پول بیشتری خواسته است و به همین دلیل شرکت برق منطقه ای قادر نیست که این امر مهم را انجام دهد. مقامات مسئول همچنین خاطر نشان ساختند که اگر اهالی روستا بتوانند در این مورد از نظر نیروی انسانی شرکت را یاری کنند، این شرکت خواهد توانست امر برق رسانی را انجام دهد.

اهالی روستای "رودبارسا"، با توجه به شرایط حساس کشور ما و اولویت های که در سطح میهن برای مقابله با تجاوز آمریکائی صدام وجود دارد،



فتوادال: زمین مال من است. دلم نخواست کشت هم نمی کنم!



دهقان: زمین مال ماست، دست به دست هم، همه زمینها را زیر کشت می بریم!

### واگذاری اراضی حاجی ضد انقلابی در روستای «سه هزار» توسط هیئت ۷ نفری، عملی انقلابی و کاملاً مورد تأیید دهقانان است

در روستای سه هزار در حوالی تنکابن، اراضی وسیع یک حاجی میان دهقانان این منطقه تقسیم شد و اکنون این زمینها زیر کشت گندم است. حاجی این روزها سخت نگران است و از هر فرصت استفاده می کند، تا علیه انقلاب تبلیغ کند از جمله چندی پیش هنگامی که مینی بوس حامل دهقانان به سوی روستای دو هزار تنکابن در حرکت بود، وی دهقانان را تشویق می کرد که تریاک بکشند. این حاجی، بی پروا به

آیت الله منتظری: هرگز نسه استعمار را به هر شکل، اقتصاء اسلامی، از بین میسرده. هر کس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هر کس باید به خودش بازگردد. نه اینکه طبقه ای دیگر دسترنج آنان را غصب نماید.



پتیة از صفحه ۲

### رفیق نورالدین کیانوری:

## تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای درهم شکستن توطئه هفتم امریکاست

### باید به جریان‌های اخیر و رابطه آن با توطئه‌ها رسیدگی کامل بشود

و اما امروز حالا ما امیدوار هستیم که این بار رسیدگی کامل به این جریان‌ها که انجام گرفته بشود. مقامات مختلف همه روی این نکته پافشاری کرده‌اند و ما از همه پافشاری بیشتر میکنیم چون معتقد بودیم و هستیم که اگر واقعا به این جریان رسیدگی بشود، ریشه‌های گندیده این جریان ضد انقلابی در ایران با تمام اجزای تشکیل‌دهنده‌اش می‌تواند کشف شود. ولی شرط اساسی اینست که واقعا این جریان دنبال‌گیری بشود و پیدا و معلوم بشود که آن ریشه‌ها در کجا هستند. بگمان ما نتیجه این رسیدگی باعث خواهد شد که حتی دو طرف اصلی این اختلاف را در حاکمیت کنونی در مقابل واقعیت‌های شکست‌انگیزی قرار بدهد و ببینند که چگونه دشمن دارد هر روز بیشتر حاکم بر جو سیاسی در ایران می‌شود. یعنی چگونه ضدانقلاب، امپریالیسم آمریکا و عمالتی در ایران دارد به عامل تعیین‌کننده جو سیاسی داخلی ایران تبدیل می‌شود و ببینند که این دشمن است که از پشت - مثل آن بازیهای خیمه شب بازی - پندها را در دست دارد و جریانها را دارد قدم به قدم می‌کشد به طرف تشنج هرچه بیشتر و به طرف برخورد نیروهای که قسمت اعظمشان می‌بایستی در یک جبهه علیه امپریالیسم بچنگند. درلحظه کنونی که تجاوز عراق در کشور ما هست تعجب‌آور نیست بلکه کاملا قابل‌انتظار بود که درست به موازات همین جریانها یعنی درست در همان موقعی که هیئت نمایندگی کشورهای اسلامی برای پیدا کردن راه حل مسأله آمیزی برای خاتمه دادن به این جنگ به ایران آمده‌اند این جریانها به این شکل جاد شد و درست در ارتباط با این جریانها عراق حملات وحشیانه خودش را نسبت به شهرهای غربی ایران به طور شدیدی بالا برده است. این نشان‌دهنده این است که آنها به چه شکل از توطئه امپریالیستی که با موفقیت نسبی روبرو شده شاد هستند و چطور این توطئه را جزئی از آن نقشه وسیع تجاوز خودشان تلقی می‌کنند و چطور این دو جریان روی همدیگر تاثیر متقابل پیدا می‌کند. این جریان داخلی به آنها میدان می‌دهد تا مسئله جنگ را در درجه دوم اهمیت بگذارند و به آنها امکان بدهد که به جایات خودشان توسعه بدهند و آن جریان برای اینکه عوامل تشنج را در ایران هر قدر که ممکن هست تشدید بکنند، تقویت بکنند و جبهه پایداری ملت ایران را در مقابل این هجوم امپریالیستی تضعیف بکنند.

به‌طور خلاصه به نظر ما توطئه هفتم امریکا با همان عناصری که من در اول صحبت‌هایم گفتم الان بشدت دارد اجرا میشود و تنها پیدایی نیروهای انقلابی، اتحاد نیروهای انقلابی و نیفتادن در دام‌های تحریک و شانتاژ همان طوری که روزنامه نامه مردم، امروز توضیح داده بود می‌تواند این توطئه را هم مثل توطئه‌های قبل باناکامی روبرو بکنند.

### انقلاب نیروی عظیمی را در اختیار دارد

جنبش انقلابی ایران هنوز نیروهای عظیمی در اختیار دارد. با وجود همه دشواریها و ناراضی‌هایی که در نتیجه همین دشواریهای ناشی از جنگ ناشی از محاصره اقتصادی و ناشی از کمبودها و نارسایی‌هایی که در کار و تصمیمات حاکمیت کنونی در میان مردم وسعت پیدا کرده، معذک جبهه دفاع از انقلاب هنوز نیروی عظیمی را در اختیار دارد و می‌تواند این نیرو را اگر درست تجزیه بکنند و وارد میدان نبردی بکنند این توطئه را هم مثل توطئه‌های قبل درهم بشکنند. ما هم تمام تلاشمان در همین جهت خواهد بود. علیرغم تمام تحریکاتی که علیه ما نه تنها از طرف دشمنان که کاملا طبیعی است بلکه از طرف نیروهای راستین مبارز انقلابی علیه ما میشود ما پوستان کلفت است چهل سال مبارزه مستقیم در تاریخ اخیر و تجربه‌گیری از صد و سی سال مبارزه کمونیستهای اصیل در دنیا و تجربه‌گیری از هزاران سال مبارزه محرومان از دوران بردگی تا امروز به اندازه کافی سیر مقاومت ما را در برابر این گونه توطئه‌ها نیرومند کرده است. کسانی که تصور می‌کنند که با این نوع تحریکات می‌توانند اعصاب ما را خراب بکنند یک اشتباه خیلی بزرگی در زندگیشان کرده‌اند و بالاخره روزی بی می‌برند که بخفا رفته‌اند.

در این مسئله چند سؤال شده است درباره ۲۸ مرداد و این سؤالات در ارتباط هست با سالروز مرگ دکتر مصدق و تحلیل‌هایی که در روزنامه‌های مختلف در ارتباط با این سالروز درباره جریان ۲۸ مرداد داده

هم کوشش خواهیم کرد که این تعریفها و افتراها را فاش بکنیم. ما عقیده راسخ داریم که تاریخ از هر دروغ و افترا بیرومندتر است، همین واقعه کودتای ۲۸ مرداد به بیننده که از زیر تمام این خاک‌رویه‌های که ضدانقلاب، ساواک، امپریالیسم برای پوشاندن خیانت‌های خودشان و تمام آن خاشاک و پوشالی که ملی‌گرایان دروغین آنها می‌بندند نام دکتر مصدق با آمریکا و بارزیم شاه‌مزدوش کردند روی آن ریخته‌اند، کم‌کم دارد بیرون می‌آید. تاریخ دارد یواش یواش نشان میدهد که چه جریان‌ها منفی در شکست جنبش ملی شدن نفت تاثیر داشت. البته یکی از آن عوامل هنوز هم متأسفانه به آن توجه نمیشود یا سهوا یا عمدا به آن توجه نمیشود. شرایط آن سالهای مبارزه است. گاهی اوقات مطالب را طوری طرح می‌کنند که گویی تناسب نیروهای جهانی در آن دوران و برای سال ۱۳۳۲ همان تناسبی بوده است که امروز هست. یعنی یک امریکای تا این حد ضعیف شده که امروز هست و یک جبهه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی تا این حد قوی شده که امروز هست. اصلا سهوا و یا عمدا در نظر نمیگیرند که شرایط آن زمان چگونه بوده است. در آن زمان هنوز ایران تازه از اولین کشورهای زیر سلطه امپریالیسم بود که پرچم مبارزه برای استقلال را بلند کرده بود. هنوز تقریبا نود و پنج درصد کشورهای نواستقلال کنونی دنیا مستعمره کامل انگلستان و فرانسه و منطقه کامل نفوذ امپریالیسم تازه نفس آمریکا بودند که میخواست تمام دنیا را تسخیر کند. در آن تاریخ تازه اولین جوانه‌های این نبرد ضد امپریالیستی دوران بعد از جنگ دوم جهانی شروع میشد و ایران ما از اولین پرچمداران این نبرد بود و هنوز تناسب نیروها در جبهه جهانی ضد امپریالیستی و جبهه ضد امپریالیسم بطور غیر قابل مقایسه‌ای به سود قدرت امپریالیست‌ها بود. امریکایی که در تمام دوران جنگ حتی یک خانه در کشورش خراب نشده بود و صنعتی به چندین برابر توسعه پیدا کرده بود، بسبب اتمی به طور انحصاری در اختیارش بود و در مقابل امپریالیسم کشورهای سوسیالیستی به صورت نیمه‌جان از جنگ بیرون آمده بودند. شوروی که با بیست میلیون کشته و بیست میلیون زخمی و خرابیهای بی‌حساب از جنگ بیرون آمده بود کجا و شوروی امروز کجا؟ که بزرگترین قدرت یکی از بزرگترین قدرتهای سیاسی و اقتصادی جهان هست. از لحاظ اقتصادی واقعا در آن روزهای سال ۱۳۳۲ من نمی‌دانم که کشورهای سوسیالیستی، اصلا یک دانه نفت کش در اختیار داشتند یا نه. قسمت اعظم بحریه تجارتهایشان در طول جنگ از بین رفته بود خلاصه بسیار کودکانه، از روی بی‌اطلاعی و یا مغرضانه است. قضاوت‌هایی که درباره مسائل جنبش نفت ایران می‌شود، هم از لحاظ داخلی و هم از لحاظ خارجی. خوب قضاوت‌هایی که از روی بی‌اطلاعی میشود، از طرف نیروهای. که صدیق هستند، راستگو هستند، علاقمند به انقلاب هستند واقعا مایه تأسف ماست. به نظر ما این نیروهای صدیق انقلابی که می‌خواهند این ملتها را به طرف اعتلا و خوشبختی و نیکبختی ببرند باید کمی به خودشان زحمت بدهند که آن بخش‌های بسیار مهم تاریخ جنبش ما را، تاریخ انقلاب ما را که دانشکده‌هایی برای پندآموزی و تجربه‌اندوزی ما هستند مطالعه کنند و به دقت مطالعه کنند نه اینکه معلوماتشان را از نوشته‌های روزنامه شاهد، تهران مصور و آیندگان و پامداد و امثال اینها بگیرند. با کمال تأسف باید گفت که حتی افرادی که خودشان را مبارز و انقلابی میدانند و مدعیند که تاریخ تمام انقلابهای جهانی را میدانند که هیچ، اصلا فصول جدیدی هم بر تاریخ انقلابها نوشته‌اند و راه‌های جدیدی برای پیروزی انقلاب کشف کرده‌اند، اطلاعات آنها هم از همین حدود تجاوز نمی‌کند. این نوشته‌های آقای رجوی (من) به آنها جداگانه خواهم پرداخت نشان-دهنده همین سطحی بودن وحشتناک حتی مبارزین و مدعیان انقلابی بودن در کشور ماست حالا وقتی اینها مطالعه اجتماعی‌شان در این سطح باشد خوب بر دیگران که ادعایی هم ندارند حرجی نیست. ما همینقدر می‌توانیم به این دوستان هر قدر هم که به ما بدگویی بکنند توصیه بکنیم که دوستان این قدر مدارا کنید روشنگر تاریخ سی سال گذشته کشور ما مطرح و منتشر شده، خوبست اینها را با نظر انتقادی عمیق بخوانند و اگر واقعا هم می‌بینند که در آنها نواقصی هست، اشتباهاتی هست این اشتباهات را سعی بکنید که با کمک متقابل رفع بکنیم و تاریخ این دوران را بر پایه درستی تنظیم بکنیم و آنرا از اینگونه سفسطه‌های پزیه‌های هر زورمند و هر قدرتمندی و هر مقام‌اجتماعی دیگر خارج بکنیم. خوب این بود گفتاری مختصر درباره حوادث آن روز.

بودند. ساواکی‌ها فقط توانسته بودند آنها را برای آن حرکت آلتی کنند در بعضی موارد هم اصلا ساواک توانسته یک چنین سازمان‌هایی را در ایران به وجود بیاورد و این سازمانها را اصلا اداره می‌کند، هدایت می‌کند، منتها به اینها پرچم خیلی قابل دفاعی داده به نام پرچم دفاع از مذهب یا پرچم دفاع از اعلان و ما اطمینان داریم که به اشکال مختلف چنین کارها را در جبهات مختلف هم انجام می‌دهند. همین الان یک گزارشی از انگلستان برای ما رسیده است از دست‌نهایی که از آنجا اطلاعاتی بدست آورده‌اند که گروه‌های پانام سازمان جوانان طرفدار سلطنت که زیر نظر جبهه متحدی از اویسی، امینی و بختیار و جم و تهاوندی، آریانا و خسروانی و غیره غیره هستند و عمل می‌کنند؛ گروهک سیندا، که اینها افرادی را بفرستند در داخل ایران و متدهایی که قرار است به کار ببرند عبارتند از: حمله و تخریب به نام «به عنوان حفظ اسلام در ایران، ایجاد افتخارهای محلی، به نام اعضای حزب توده ایران در ایران و خارج، ببینید دوشیوه ظاهرا متضاد را این جا «د» و «ه» نام برده‌اند. شیوه‌هایی که اینها می‌بایستی بکار ببرند اینست که بعضی از گروه‌هایشان بیایند عملیاتی انجام بدهند به نام حفظ اسلام در ایران، عملیات حمله و تخریب و آدمکشی و غیره و غیره برای چی؟ برای اینکه مسلمانان مبارز را بدنام بکنند، اغتشاش‌های محلی ایجاد بکنند به نام اعضای حزب توده ایران. برای چی؟ برای اینکه حزب توده ایران را در مقابل مسلمانان بگذارند. این دیگر می‌شود گفت تازه‌ترین خبری است که همین امروز صبح به ما رسیده است از فعالیت گروه «سیندا» که تاکنون چند دسته از افرادی را توانسته است بفرستد به ایران. این شیوه، شیوه‌ایست که ما همیشه در مقابل آن برحذر داشته‌ایم تا نیروهای مبارز و انقلابی در دامش نیفتند و گول نخورند.

### انقلابیون مسئول و دولتمردان متهمان نباید در دام بیفتند

ولی با کمال تأسف ما شاهد این هستیم که نیروهای مبارز بخصوصی حتی افراد مسئول و فعال در حاکمیت کنونی خیلی آسان یادوتا خیر دروغین که یک مامور ساواکی که در یک جایی - کمیته‌ای - جا گرفته، به آنها برساند در چنین دام‌هایی می‌افتند و آن وقت با وجود سیاست حزب ما که از آفتاب روشن تر است و در دو سال ونیم اخیر نشان دهنده این هست که کوچکترین ایرادی به تمام فعالیت و تبلیغات ما در جهت اینکه نسبت به مسائل انقلاب ایران دچار اشتباهی شده باشیم نمی‌تواند پیدا بکنند، معذک گزارش یک خبرنگاری که معلوم نیست از کجا آمده، کی او را می‌گردانند از طرف کی‌ها و پول داده شده تا یک گزارش دروغینی بنویسد، این دولتمردان ما را هم حتی در دام می‌اندازد و وارد می‌کند به این که آنها نظرهای بکنند که این اظهار نظرها به کلی دور از واقعیت هست. این اشتباهات تنها می‌تواند کمک بکند به تحریکات حریف، به ایجاد باز هم دشمنی و خصومت بین نیروهای اصیل که امروز از انقلاب دفاع می‌کنند. در این چارچوب ما با کمال تأسف شاهد این هستیم که به خصوص در این دوران برگزاری سالروز مرگ دکتر مصدق در مطبوعات یک کارزار تبلیغاتی حمله ناچوانمردانه به حزب توده ایران از طرف عده زیادی از افراد باز در گرفت، البته آنچه که مربوط به جبهه ملی و نسبت آزادی است برای ما غیر قابل انتظار، غیر منظره نبود، برای اینکه آنها برای پوشاندن ضعف و خیانت خودشان به جنبش انقلابی ایران در گذشته و در حال مجبور هستند که چنین سیاستی را در پیش بگیرند. تاریخ دارد یواش یواش روشن می‌کند، و نشان می‌دهد که واقعا جنبش انقلابی ما در گذشته چه بوده و چه عناصری در آن چه نقش‌هایی بازی کرده‌اند. ولی از طرف نیروهای اصیل انقلابی که الان در جبهه نبرد با امپریالیسم هستند ما فقط می‌توانیم ابراز تأسف بکنیم که خوب چطور ممکن هست مطالبی را بیان کنند که این مطالب مطلقا بی‌پایه و خلاف حقیقت است. بیان اینگونه مطالب بکلی بی‌پایه و نادرست از طرف دولتمردان و مسئولین نشان میدهد که آنها از آنچه که گذشته و آنچه که الان اسناد و مدارک مفصل درباره‌اش هست بکلی بی‌اطلاع هستند و یا اینکه آنقدر دچار پیشداوریها هستند که باعث میشود در برداشتهای سیاسی‌شان به تحریف حقایق بپردازند و مطالب نادرستی را با استفاده از موقیبت بزرگی که انقلاب در اختیار آنها گذاشته است بخورد مردم دهند. این یک بی‌مسئولیتی بزرگ است که ما فقط می‌توانیم نسبت به آن ابراز تأسف شدید بکنیم

### ما با تمام صداقت برای پیروزی انقلاب بزرگ کشورمان مبارزه میکنیم

البته آن کاری که از ما برمی‌آید آن هست که باز هم تاریخ را آنطوری که دقیق هست تکرار بکنیم و تاریخ را چنانکه گذشته، وقایع را چنان که جریان داشته، نشان بدهیم. البته تا حدودی که امکانات در اختیار داریم، امکانات بسیار محدودی که داریم زیرا ما نه رادیو داریم، نه تلویزیون داریم، نه روزنامه‌های دوپست هزار شماره‌ای در اختیارمان هست، ما در حدود امکانات بسیار محدود خود کوشیده‌ایم و باز

شده، ما به این دلیل که در روزنامه‌های مختلفی این مسائل نوشته شده می‌خواهیم به این مسئله توجه بدهیم که واقعا ما از فاجعه ۲۸ مرداد چه بایستی بیاموزیم.

### درس از شکست ۲۸ مرداد، برای درهم شکستن توطئه امروز امریکا

کسانی که واقعا طرفدار مبارزه راستین انقلابی مردم ایران هستند همه بر یک مسئله اصرار دارند که دشمن اصلی تمام زحمتکشان جهان و در هر حال دشمن اصلی انقلاب مشخص کنونی ما امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، همه در این وحدت نظر دارند که امپریالیسم آمریکا با تمام قوای خودش درصدد این هست که این انقلاب ما را با شکست روبرو بکند و همه در این وحدت نظر دارند که امپریالیسم آمریکا با کمک ضدانقلاب، با کمک همه نیروهای که طرفدار سازش با امپریالیسم آمریکا هستند تا به حال چندین توطئه به حساب ما کش توطئه مهم، برای درهم شکستن انقلاب ایران انجام داده و فعلا هم در جریان اجرای توطئه جدید خودش هست و علاوه بر این توطئه‌ها در تدارک این هست که در هر لحظه مناسبی که جرتش را پیدا بکنند و امکاناتش را پیدا بکنند با نیروی عظیم نظامی که در منطقه متعمرکن کرده است انقلاب ایران را با سرنواشی مانند شیلی، مصر، اندونزی و یا نظایر آنها روبرو بکنند. خوب اگر در این مسئله عمده ما می‌بینیم که در بین خیلی از نیروها حتی نیروهای که نسبت به حزب ما با نظر نه فقط غیردوستانه بلکه به طور مشخص خصمانه برخورد می‌کنند ولی هوادار استقلال ایران فقط در مقابل تسلط غارتگرانه امپریالیسم آمریکا هستند یعنی حتی آن نیروهایی که تصور می‌کنند که با کنار آمدن با اروپا ممکن است انقلاب ایران را با موفقیت روبرو بکنند ولی واقعا ضد امریکایی هستند، اگر در این مسئله مهم ما شریک هستیم خیلی ضروری است که ما از یک تجربه تاریخی خودمان یعنی از فاجعه ۲۸ مرداد که درست به همین وضع در آن تاریخ وجود داشته است بهره بگیریم و به طور دقیق مطالعه بکنیم که تا کنون امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن جنبش ملی نفت، برای انجام کودتا برای سرنگون کردن دولت ملی دکتر مصدق و روی کار آوردن دولت مورد علاقه خودش، این تا کنون واقعا در عمل چگونه بوده است و از این درس از این آموزش، آن وقت بیاییم این تا کنون امپریالیسم آمریکا بوسیله امپریالیسم در ایران انجام می‌گیرد این تا کنون با روشناسیم آنها را که زیر یک پوششی انجام می‌گیرد و قلب آمیزند آنها را بشکافیم، افشا بکنیم و در دام آن توطئه‌هایی که امپریالیسم در ۲۸ مرداد گسترده و مقداری از نیروهای انقلابی در آن دام افتادند، دیگر در آن دام نیفتیم. واقعا بزرگترین درسهای شکست ۲۸ مرداد در چه چیزی هست؟ به نظر ما امپریالیسم انگلستان که کهنه کار و با سابقه در ایران بود و در دوران قبل از بالاگرفتن جنبش ملی مبارزه برای ملی کردن نفت و در دوران مصدق هم تمام شریکهای عمده دستگاه سیاسی نظامی و اقتصادی را در دست خودش داشت و آن قسمتی هم که دیگر یواش یواش امریکایی‌ها رسوخ کرده بودند و اشغال کرده بودند در همکاری کامل با آنها بود. آنها از همان روزهای اول اوج‌گیری جنبش مبارزه ضد امپریالیستی ایران بعد از جنگ دوم جهانی، حساب روزهای خطرناک خودشان را کرده بودند، آنها می‌دانستند که احتمال اینکه جنبش بتواند موفقیت‌هایی پیدا کند هست و بایستی این جنبش را با دید طولانی کوشش کرد که به شکست کشاند. از دو راه هم آنها مبارزه با جنبش را شروع کردند یکی از راه خارجی علنی و یکی هم از راه داخلی. راه خارجی - علنی آن عبارت بود از فشارهای اقتصادی به اشکال مختلف در آن چارچوبی که آنروز ممکن بود، فشارهای سیاسی در مجامع بین‌المللی، اولتیماتوم دادن تحریک کردن و از راه داخلی به وسیله نفوذ در داخل جنبش انقلابی و منجر کردن آن از داخل، امپریالیسم آمریکا و انگلستان از دیرزمانی به این فکر افتادند که می‌بایستی در ستاد جنبش انقلابی نمایندگان خودشان را جا کنند: امثال بقاییم، مکی، حائری‌زاده، شمس قنات‌آبادی و ملکی مدیر ستاره و تمام آن اسامی که ما در آن نشریات خودمان داده‌ایم که از هجده نفر موسسین جبهه ملی نه نفر از وابستگان مسلم به امپریالیسم آمریکا و انگلیس بودند. امپریالیسم با دوربینی، این افراد خودش را در آنجا جا زد. این تجربه بسیار مفیدی است چون بعدا ما دیدیم که نقش این عده چطور در همکاری با ضد انقلاب یعنی با دربار، زاهدی، ارتقی‌ها، تمام امراء و ملاکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ که در جهت ضدانقلاب بودند اجرا شد و چطور اینها از داخل جبهه ملی را به معنی کامل کلمه منفرج کردند آنها این جبهه را تضعیف کردند، یوکنی کردند و توانستند حتی در بین رهبران صادق جبهه ملی اختلاف ایجاد بکنند، دو دستی ایجاد بکنند، آنها را به جان همدیگر بیندازند، از نقاط ضعفشان برای اعمال قدرت و نفوذ خودشان استفاده بکنند و واقعا جنبش را از داخل بکلی درهم بشکنند.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

هدف این است ما را از مسأله اصلی مبارزه با امپریالیسم آمریکا بازدارند

★ با وجود خروج لیبرال‌ها از مجلس، طرح انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست تصویب شد.
★ یکی از نمایندگان: اگر اصلاحات ارضی بطور کامل انجام نشود، آنوقت توپخانه‌های امپریالیسم می‌تواند کارآئی داشته باشد و توده‌ها را مایوس کند.
★ مجلس به وزرای دارایی و امور اقتصادی و بازرگانی رای اعتماد داد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ایران، که به ریاست‌حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، با اینکه لیبرال‌ها برای دومین بار مجلس را ترک کردند، طرح انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست تصویب شد. شورای نگهبان قانون اساسی در همین جلسه اعلام داشت که طرح تصویب‌شده مغایر با قانون اساسی نیست. در همین جلسه، آقای حسین گانجی‌پور اردبیلی بعنوان وزیر بازرگانی و آقای حسین نمازی بعنوان وزیر اقتصاد و دارایی به مجلس معرفی شدند و مجلس به آنها با اکثریت آراء رای اعتماد داد.

نخستین ناطق پیش از دستور این جلسه محمدامین سازگار نژاد بود. ناطق در آغاز سخنان خود، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی گفت: «اینک که می‌دانند کسه صدام نمی‌تواند جنگ را در بعد نظامی یرد، بحران سیاسی داخلی را شروع کرده‌اند، چون می‌دانند که اگر جامعه را دو قطبی کنند، می‌تواند به انقلاب ضربه بزند.» وی سپس ضمن تشریح این توپخانه، از نیروهای خط امام خواست که: «اگر در شیوه‌های تبلیغ دچار اشتباه شدند، در این شیوه‌ها تجدیدنظر کنند.»

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله اصلاحات ارضی اشاره کرد و گفت: «نظام مالکی در روستاها در ارتباط با نظام شاهنشاهی است. امروز شاخه‌های گندم و برنجی که روستائیان ما تولید می‌کنند، به مثابه بیبی است که به سر آمریکا و استعمار جهانی می‌ریزند. به همین دلیل ما باید برای روستائیان امکان کشت و کار فراهم کنیم. چرا بعضی‌ها می‌گویند طرح اصلاحات ارضی غیر-شرعی است... اگر ما این کارها را نکنیم، توپخانه گسترده‌تر خواهد شد و تازسایها به نارضایها تبدیل خواهد شد.»

شد. و آنوقت است که توپخانه‌های امپریالیسم می‌تواند کارآئی داشته باشد و توده‌های ما را مایوس کند. دومین ناطق پیش از دستور عطاءالله مهاجرانی، نماینده شیراز بود. ناطق در آغاز سخنان خود به مقایسه مطالبی که رئیس‌جمهور و روزنامه انقلاب اسلامی در مورد چماق‌داری، لیبرالیسم و درگیری‌های مختلف در نقاط مختلف کشور، قبل و بعد از انصاب ریاست جمهوری عنوان کرده‌اند، اشاره کرد و گفت:

«اینک که دشمنان انقلاب میخواهند کشتی انقلاب را به چنگ بکشند، ۱۷ شهریور، میدان آزادی‌ها، قضیه دانشگاه و تمام این برچوردن‌های مضمی باعث نخواهد شد که دولت و انقلاب از کار اصلی خود، یعنی سبزه‌داری و برقرار کردن بنیادهای انقلاب غافل بمانند.»

ناطق آنگاه به برخی تبلیغات حادثه‌ساز در مورد ترور رئیس‌جمهوری که به‌طور مرتب در کارنامه رئیس‌جمهوری به آن اشاره می‌شود، اشاره کرد و با توجه به اظهارات تیمسار فلاحتی، رئیس ستاد مشترک، که گفته بود مسئولیت جان رئیس‌جمهوری با ایشان است، گفت: «اگر کمترین مسئله وحادثه‌سازی پیش‌یابید و قرار باشد یک موج تبلیغاتی تازه در جامعه ایجاد کند، مسئول مستقیم آن، رئیس کل ستاد مشترک است.»

سومین ناطق پیش از دستور مجید انصاری بود. وی در سخنان خود به توپخانه جدید آمریکا که می‌خواهد جنگ به داخل کشیده شود، اشاره کرد و گفت:

«هدف این است که ما را از مسئله اصلی، که مبارزه با امپریالیسم آمریکا است، بازدارند و مشغول خود کنند. در این ارتباط وظیفه مهم است که این صحنه‌سازیها فکر آنها را از مسئله اصلی، یعنی آمریکای

چنانیکار باز نیابد و همچنان درمیچند بمانند.»

ناطق در بخشی دیگر از سخنان خود، برای رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس سئوال‌هایی از جمله در ارتباط با توهین و نادیده گرفتن قانون اساسی، مطرح کرد.

وی سپس به از اکثریت‌انداختن جلسه روز سه‌شنبه مجلس توسط عده‌ای از نمایندگان اشاره کرد و گفت:

«آیا عید تکمیل کابینه همان‌همان‌همان آمریکا نیست؟»

پس از نطق قبل از دستور ضرغاهی، رئیس مجلس در مورد طرح قانونی انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست گفت:

«این طرح طبق آیین‌نامه موجود به هیچوجه نمی‌تواند از دستور بیرون برده شود.»

وی همچنین در مورد شکایات برخی از نمایندگان مجلس در مورد توهینی که روزنامه «هیزان» در مقاله دیروز خود نسبت به نمایندگان مجلس به‌عمل آورده بود، گفت:

«ما این شکایات را رسیدگی می‌کنیم و نتیجه را به قضاوت مردم خواهیم رساند.»

آنگاه مجلس برای رسیدگی به طرح قانونی انتخاب سرپرست وزارتخانه‌های بی‌سرپرست وارد دستور شد.

پیش از شروع بحث در این باره، گروهی از لیبرال‌ها، که یک اقلیت ۱۴ نفره را تشکیل می‌دادند، برای از اکثریت‌انداختن مجلس، جلسه را ترک کردند. ولی بعلاوه حضور ۱۸۳ نماینده شد و پس از سخنان موافق و مخالف، در مجلس، عمل آنها با شکست روبرو رای‌گیری بعمل آمد و با اکثریت قاطع آراء طرح قانونی انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست، با تغییراتی، به تصویب رسید و مجلس وارد تنفس شد. بعد از تنفس، محمدعلی رجایی

نخست‌وزیر، حسین گانجی‌پور اردبیلی را بعنوان وزیر بازرگانی، و حسین نمازی را بعنوان وزیر اقتصاد و دارایی به مجلس معرفی کرد.

حسین نمازی هنگام معرفی خود، رئیس برنامه اقتصادی‌اش را اعلام کرد. او از جمله گفت که هدف اجرای قانون اساسی و بطور مشخصی اجرای اصول سوم، چهل و سوم و پانزدهم اصل بی‌گرددن بازرگانی خارجی است. او همچنین گفت که برای توزیع عادلانه کالا، به‌توانیها در شهر و روستا تکیه خواهد شد؛ بعد از سخنان موافق و مخالف، با ورقه رای‌گیری شد و مجلس با ۱۵۲ رای موافق به حسین نمازی و با ۱۱۴ رای موافق به گانجی‌پور رای اعتماد داد.

در حاشیه...

اکل میت

لیبرال‌ها، پس از خروج از جلسه برای از اکثریت‌انداختن مجلس، در تالار بیرونی مجلس مصاحبه مطبوعاتی تشکیل دادند. در این مصاحبه همچنین بازرگانان، ضمن توضیح اینکه برای شخص رو به‌مرگ «اکل میت» (خوردن مرده) حلال است، گفت: «این عمل ما هم عینا اکل میت بوده.»

پژئینسکی = وزیر

خارجه ایران!

پس از خروج لیبرال‌ها از مجلس، حجت‌الاسلام خلخالی گفت: «اینها دلشان میخواهد برژئینسکی بیاید وزیر امورخارجه ایران بشوند.»

پزدی مستشاران آمریکا

را فراری داد

حجت‌الاسلام خلخالی، بعد از مصاحبه مطبوعاتی لیبرال‌ها، یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داد و در آن از جمله گفت: «مساله به این سادگی نیست، بعنوان کویدن شوروی و مرگ بر توده‌ای می‌خواهند آمریکائی‌ها را بیاورند تو.» او همچنین گفت: «همین آقای یزدی ۷۰۰ نفر از مستشاران نظامی آمریکا را سوار هواپیما کرد و فراری داد.»

وی افزود: «خیانت‌های آقای بازرگان را من خواهم گفت. خیانت‌های آقای برژئینسکی... ببخشید، آقای یزدی را خواهم گفت. اینها وکلای مردم نیستند. قیافه‌اشان را پوشانده بودند مردم گول خوردند. آقای بازرگان با حرکت‌های آقای خمینی از اول تا آخر مخالف بوده است.»

با آتش یکانهای...

بقیه از صفحه ۱

جبهه‌های غرب و جنوب کشور، از جمله آبادان، گرگه، سوسنگرد و خونین شهر، ضربات سختی برپیکر دشمن وارد آمد.

بر اساس اطلاعیه ۴۳۰ بیتاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روزهای گذشته و نوزدهم اسفند، راه، در نتیجه اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بیرونی مواضع دشمن، چهار انفار صیحات، دو موزع تانک، دو لودر، یک خودرو، یک موزع تیربار، یک موزع موشک‌انداز، و تعدادی سنگر بتونی دشمن منهدم شد. عده‌ای از افراد نظامی عراقی به هلاکت رسیدند.

در ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه دیروز دو فروند هواپیمای عراقی، با دکان مروان را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه این حمله دوتن از افراد نظامی ما شهید و ۷ تن مجروح شدند. ضمناً یک فروند هلیکوپتر ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در ساعت ۱۰ با ممداد دیروز در جاده سنندج - بجنویان سقوط کرد که خلبان، کبهک‌خلبان و دوتن از سرنشینان آن شهید و یک‌تن نیز زخمی شدند.

در روز ۱۸ اسفندماه، در نتیجه آتش یکانهای نیروی دریایی به مواضع متجاوزان صدامی، چندین سنگر در بخش اشغالی خونین شهر منهدم شد و تلفات قابل‌ملاحظه‌ای به ارتش صدام وارد شد.

در همین روز در منطقه دزفول مدافعان انقلاب در یکی از جبهه‌ها با دشمن درگیر شدند، که در اثر مقاومت شدید یکانهای ما، قوای دشمن با دادن تلفات مجبور به عقب‌نشینی شدند. در یکی از جبهه‌های این منطقه نیز یک گردان مکانیزه دشمن، که قصد توپخانه و پشتیبانی هوایی رزمندگان ما متوقف و از پیشروی آنها جلوگیری شد.

روز هفدهم اسفندماه در منطقه ایلام یکی از نیروهای مسلح ما زیر آتش تانک و نفربرهای دشمن که در حال پیشروی بودند قرار گرفت که با عکس‌العمل شدید نیروهای ما قوای دشمن با تحمل ضایعات و تلفات زیاد ناچار به عقب‌نشینی شد.

روز هفدهم اسفندماه در منطقه نتیجه آتش توپخانه و خمپاره‌انداز دشمن روی مناطق مسکونی آبادان ۵۰ واحد مسکونی و ۴ باب مغازه ویران شد. همچنین چند هواپیمای دشمن در ارتفاعات زیاد در آسمان آبادان ظاهر شدند که با مقابله آتش پدافند هوایی ما روبرو و متواری شدند.

برقرار باد اتحاد همه

نیروهای ضد

امپریالیستی و

دمکراتیک ایران در

جبهه متحد خلق!

امریکائی به ایران آمده‌اند، بیشتر پاسپورت‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، بلژیکی یعنی کشورهای ناتو. ما با تمام دقت این اطلاعیه را زمانی که هنوز به ایران نیامده بودیم فرستادیم. در روزنامه کیهان هم این منتشر شد. این افراد اصلاً با سفارت تماس نداشتند. جای یکی از این‌ها در این افشاگری‌های دانشجویان خط امام در سفارت آمریکا پیدا شد. همان کسی که دوتا پاسپورت داشته. این یکی است از این صد و سی و پنج جاسوس و خرابکار و ده‌ها نفر دیگر از قماش آنها که بعد از این آمده‌اند به این‌جا. خوب به نظر ما جاسوسهای سیا در ایران وول می‌زنند. این عناصر و امثال آنها با پاسپورت‌های مختلف، افغانی، پاکستانی، با آن چیزهایی که در اختیارشان هست از کشورهای ناتو، ترکیه، کشورهای دیگر، آنهایی که آزادانه به ایران می‌آیند و به عنوان دوست تلقی می‌شدند و اینها هستند که ضدانقلاب را در تمام پهنای خودش سازمان می‌دهند، نه فقط گروه‌های ساواکی را، بلکه شاخه سرمایه‌داران بازاری ضدانقلابی را سازمان می‌دهند. روشنفکران ظاهراً غیروابسته به طاغوت و ناراضی‌ها را سازمان می‌دهند. در گروه‌های مختلف ظاهراً انقلابی چه‌نما و چه‌گرا بدون اینکه خود اینها بدانند که چنین کسانی در میان آنها رسوخ کرده‌اند رسوخ میکنند و گروه‌های ما توئیس را که به طور آگاهانه با امپریالیسم آمریکا رابطه دارند اداره میکنند. بقایای امروزی را در نهادهای انقلابی جا میدهند.

عناصر کاملاً مشخص امثال امیرانتظام، امثال نرینه، امثال مقدم مراغه‌ای و حتی از روحانیون که حتی در همکاری با امپریالیسم و ارتجاع بودند یا نام مشخص بکنند و معرفی بکنند، اگر ما به این افشاگری‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تا آنجائی که منتشر شده (و امیدواریم که همه این اسنادی که به دست آمده است منتشر بشود) درست دقت بکنیم می‌بینیم که چرا عوامل سیا، عوامل جاسوسی آمریکا، عوامل تسلط امپریالیستی آمریکا در ایران با استحکام از امکانات خودشان در جاهای مختلف صحبت می‌کنند در این باره بحث می‌کنند که میبایستی نهادهای انقلابی را خرد بکنیم، بایستی در پاسداران نفوذ بکنیم، بایستی به شکلی به روحانیون نزدیک شویم. البته آنها مسلم هست که در دوران طاغوت به اندازه کافی روحانی‌نمای همدست خودشان داشتند و می‌دانید که وعظاً السلطین در آن دوران کم نبودند، در هیچیک از سطوح هم کم نبودند، حتی در سطوح بالای روحانیت بودند کسانی که با تمام قوا با دربار پهلوی همکاری و همدستی داشتند. خوب امپریالیسم آمریکا مسلماً پس از انقلاب درصدد برآمده است که از تمام این امکانات خودش حد اعلا بهره‌برداری را بکند. ما در همان روزهای اول پیروزی انقلاب اطلاع دادیم. این اطلاعات فوق‌العاده ذیقیت هست که در کمال تأسف حاکمیت انقلابی به این مسئله توجهی نکرد. اطلاع پیدا کردیم از طرف دوستان آمریکایی خودمان که ۱۳۵ جاسوس زبردست آمریکا برای تدارک توپخانه‌های ضدانقلابی در ایران مامور شده‌اند که به ایران بیایند و همه اینها با پاسپورت‌های خارجی با پاسپورت‌های

رفیق نورالدین کیانوری...

بقیه از صفحه ۶

از نهادهای انقلابی دفاع کنیم و امکان رسوخ را به عوامل آمریکا ندهیم

خوب جابا واقعا رهبری انقلابی کنونی ماضور میکند که امپریالیسم آمریکا و انگلستان با چنین تجربه موفقیت‌آمیز سال‌های پیش خود کسانی را نداشتند یا نتوانستند کسانی را در نهادهای انقلابی ما، در سازمان‌های مختلف وارد بکنند. آیا ما میتوانیم اینقدر خام باشیم که فکر بکنیم که این کار را انجام نداده‌اند و بخش قابل توجهی از این وضعی که الان در جامعه در حال رشد و تکوین هست بستگی به عمل همین گروه افراد و درجه‌های مختلف در پست‌های حساس مختلف ندارد. انقلاب ایران بعضی از این قیافه‌ها را شناخت، افشا کرد و به‌ویژه با کاری که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام کردند که این لانه توپخانه ضدانقلابی را توانستند تسخیر بکنند. البته متأسفانه خیلی دیر شد، یعنی پس از آنکه مهمترین اسناد از آن‌جا خارج شده بود و یادرهمان چند ساعت اول موفق شده بودند که اسناد مهم را ازین ببرند ولی در هر صورت با وجود همه این پیشامدهای منفی، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام موفق شدند که یک گنجینه‌ای از این شیوه عمل‌سیا که نظیر آن هم‌حتماً در واحداثی‌لیجنس سرویس وجود داشته است پیدا بکنند یا دلایل مشخص و حتی



### ضد انقلاب در سواد کوه فعال است

ضدانقلابیون و عمال بختیار در سواد کوه و شیرگاه شمارهایی را که در پشتیبانی از انقلاب است پاك می کنند و بجای آن شمارهای ضدانقلابی می نویسند.

هنگامی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سند جاسوسی «نژیه» را افشا کردند، این عناصر وابسته به بختیار، تاز شیرگاه دیوارهای شهر را با شمارهای حمایت از «نژیه» پر کردند. آنها همچنین هنگامی که توطئه امپریالیسم آمریکا

از طریق تجاوز نظامی به طبرستان، به پهنانه آزادی دگرگانه به شکست انجامیده، شروع به نوشتن شمارهای ضدانقلابی کردند. عمال بختیار علاوه بر نوشتن شمارهای ضدانقلابی، شمارهایی را که در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و دستاوردهای آن است، نیز پاك می کنند.

ما از نهادهای انقلابی این منطقه می خواهیم که هر چه سریعتر دست این عناصر ضدانقلابی را کوتاه کنند و با شناسایی و دستگیری آنان، مانع فعالیت خرابکارانه آنان شوند.

### اعتراض به افزایش هزینه های نظامی در آمریکا

بنجامین هوکس، مدیرعامل سازمان ملی مساعدت و ترقی اقوام غیرسفیدپوست آمریکا، به افزایش بودجه نظامی دولت آمریکا اعتراض کرد. بنجامین هوکس طی يك مصاحبه مطبوعاتی در جلوری کاپیتول در واشنگتن، در میان ۴۵۰ هزار نفر آمریکائی هوادار این سازمان، لایحه بودجه جدید کشور را، که از جانب دولت به کنگره ارائه شده است، مورد انتقاد قرار داد. وی خاطر نشان کرد که افزایش هزینه های نظامی، به حساب کاهش اعتبارات ویژه نیازمندیهای اجتماعی، شرایط زندگی فقیرترین اقشار اهالی کشور، بویژه غیر-سفیدپوستان را وخیم تر میکند.



### مداخلات نظامی آمریکا در السالوادور، ویتنام را بیاد می آورد

در دانشگاه کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا، گروههایی بزرگی به نشانه اعتراض علیه دخالت آمریکا در السالوادور برپا شدند. یکی از سخنرانان عملیات کنونی آمریکا را علیه السالوادور، به مرحله نخستین مداخلات این کشور در ویتنام تشبیه کرد. در اوکلند (کالیفرنیا) نیز تظاهراتی در برابر حوزه های سربازگویی صورت گرفت. تظاهرکنندگان، که بیشتر آنها را جوانان تشکیل میدادند، اعلام کردند که حاضر نیستند طعمه توب ماجراجویان «پیتاگون» شوند.

### دیدار لئونید برژنف با له دوان

روز نوزدهم اسفند ۵۹، له دوان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، که در راس هیئت نمایندگی آن حزب در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت داشت، با لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد.

له دوان از جانب خود و حزب کمونیست ویتنام انجام موفقیت آمیز کار بیست و ششمین کنگره و گزینش مجدد لئونید برژنف به دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را شادباش گفت. له دوان ضمن تایید ارزیابیهای کنگره درباره اوضاع بین المللی، پشتیبانی حزب کمونیست و دولت ویتنام را از برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه سیاست خارجی، که هدفش دفاع از صلح، گسترش روابط و همکاری میان خلفا و شناسایی و احترام به حقوق حاکمیت و استقلال همه خلفاست، بیان داشت.

### اعتراض دانشجویان امریکایی علیه مداخله نظامی در السالوادور

دانشجویان دانشگاه هارتفورد در شهر هارتفورد، در برابر منزل الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا، تظاهراتی برپا کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات مداخله دولت آمریکا در ویتنام و از های السالوادور را محکوم و از دولت طلب کردند که به مداخله خود و صدور اسلحه و تجهیزات نظامی به السالوادور پایان دهد. تظاهرکنندگان شعار میدادند: «مردم السالوادور حق دارند که خود سرنوشت خویش را تعیین کنند».

«مردم ویتنام از کمکها و پشتیبانی موثر و دائمی اتحاد شوروی، بویژه در زمینه سازندگی زندگی نوین، ساختمان سوسیالیسم و دفاع از کشور سوسیالیستی ویتنام، سپاسگزارند».

در این دیدار لئونید برژنف اظهار داشت: «پشتیبانی حزب کمونیست و دولت شوروی از خلق ویتنام و جمهوری سوسیالیستی ویتنام در اتحاد شوروی مورد تایید همگانی است».

لئونید برژنف خاطر نشان کرد که: «دولت اتحاد شوروی سیاست فعال و صلحجویانه جمهوری سوسیالیستی ویتنام را که، در سمت حسن همجواری و گسترش روابط و همکاریها میان کشورهای منطقه جنوب خاوری آسیاست، تایید میکند و نسبت به کوششهای دولت ویتنام برای تبدیل این منطقه به منطقه صلح، همبستگی کامل دارد».

در جریان این دیدار همچنین پیرامون برنامه های مربوط به روابط اقتصادی و همکاریهای دو کشور در آینده گفتگو شد. در ارزیابی اوضاع بین المللی و سایر مسائل مورد مذاکره نیز رهبران دو کشور اتفاق نظر کامل داشتند.

### شرکت متجاوز از هزار نفر مستشار نظامی امریکایی در سرکوب

#### میبهن دوستان در السالوادور

طی دوروز اخیر، میان نیروهای آزادیبخش السالوادور با دوردسته هواداران رژیم حاکم نبردهای شدیدی در گرفت. در اکثر شهرهای کشور به سربازان دستور داده شده است که پس از ساعت ۹ شب، هر کس را در خیابانهای

شهر مشاهده کردند، بدون اخطار قبلی، هدف گلوله قرار دهند. مستشاران نظامی امریکائی، که متجاوز از هزار نفرند، در تمام شهرها و مناطق کشور، رهبری عملیات سرکوب میهن دوستان را

«هیچ چیز مانع از آن نیست که در این منطقه (منطقه خلیج فارس) یک سازمان نظامی و سیاسی در همان سطح و با همان نفوذی، که «پیمان ناخ» دارد، تشکیل شود».

توطئه های امپریالیسم آمریکا، متحدان، دستیاران مرتجع آن در منطقه و ضدانقلاب داخلی علیه انقلاب ایران چیز تازه ای نیست. اینکه لیبرال های چاده صاف کن امپریالیسم نیز تلاش می ورزند تا امپریالیسم آمریکا فراموش ویا، لاقط، از زیر ضرب های سهمگین و توفنده روند انقلاب ایران خارج شود نیز بهیچ روی شکست بر نمی آنگیزد.

### دیدار الیاس سرکیس با حافظ اسد

الیاس سرکیس، رئیس جمهور لبنان، که بمنظور تبادل نظر درباره اوضاع جنوب لبنان به دمشق رفته است، در دیدار خود با حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، مسئله وخامت روزافزون اوضاع در کشور

لبنان را مورد بررسی قرار داد. روسای جمهور دو کشور بر این عقیده اند که ادامه و تشدید عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان علت اصلی وخامت روزافزون اوضاع این منطقه است.

اما نیروهای انقلابی کشور ما باید، پیش از پیش، از اقتادن در این دام بر حذر باشند و، پاپایی افشاگری توطئه های انحرافی لیبرال ها، حتی يك لحظه نیز از توطئه های تبه کارانه امپریالیسم آمریکا، که در این نوشته تنها به گوشه ای از آنها اشاره شد، غافل نمانند.

مرسده از انزلی	۱۰۰۰۰ ریال
میر از سیرجان	۲۰۰ ریال
نما از سیرجان	۱۰۰ ریال
ژم از سیرجان	۱۰۰ ریال
عارف از سیرجان	۱۰۰ ریال
ا - ر از شهرکرد	۱۸۰۰ ریال
غ - م از شهرکرد	۵۰۰ ریال
روزبه - م از شهرکرد	۲۰۰۰ ریال
دوستی از سیرجان	۱۰۰۰ ریال
فراخوان از شهرکرد	۳۰۰۰۰ ریال
حسن از جهرم	۲۰۰۰ ریال
شاه جهان از اوز فارس	۲۰۰۰ ریال
م - د از نند	۳۰۰۰۰ ریال

کمیته مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

ها - از شهرکرد ۱۰۰۰ ریال  
ف - از شهرکرد ۶۰۰۰ ریال  
ش - از شهرکرد ۱۰۰۰ ریال  
یارعلی کشاورز از شهرکرد ۲۵۰۰ ریال  
رامک از بندر انزلی ۵۰۰۰ ریال  
درمجلس عقد (خاقان) از بروجرد ۳۱۵۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی مد دادند.

### ضد انقلاب برای به اعتصاب کشانیدن مرغداریهای همدان در تلاش است

طبق اخبار موثقی که از شهر همدان رسیده است، مرغداران بزرگ همدان برای ایجاد کمبود در بازار و در نتیجه ایجاد نارضایتی بین مردم، قصد دارند که هنگام عید نوروز دست به اعتصاب بزنند. این مرغداران با برخی از سرمایه داران بزرگ تهران و همدان نیز در ارتباطند. بی شک در شرایطی که به گفته تمامی مسئولان مملکتی، هرگونه اعتصاب، تحسن و کم کاری توطئه ای ضدانقلابی برای

### پیمان نظامی...

بقیه از صفحه ۱

حضور، دست به تقویت آن نیز میزند، زیرا که مقصود واقعی آن، بقول گارتز، «حفظ منافع حیاتی آمریکا» یعنی پیشبرد تاراجگریها و تجاوزهای امپریالیسم آمریکا در منطقه، از جمله بویژه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

روشن است که متحدان امپریالیستی آمریکا نیز نمی توانند سرشوق و سرگرده خود را در این امر «حیاتی» تنها بگذارند. اینجاست که خانم تاجره نخست وزیر بریتانیای پهرانزده، نیز به یاری «پسرعمو» میشتابد و تشکیل «سپاه چند ملیتی غرب» را پیشنهاد میکند - پیشنهادی که این روزها خشم نگرانی و انزجار خلقهای کشورهای منطقه خلیج فارس را برانگیخته است.

طبیعی است که رژیم های ارتجاعی منطقه هم نقش «درخور» خویش را در این توطئه گسترده امپریالیستی دارا هستند. آخرین نمونه این خوش خدمتی، کنفرانس وزیران خارجه دولت های سرسپرده شش کشور خلیج - یعنی عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عرب، قطر، عمان و بحرین - بود که زیر پوشش رسمی برقراری «روابط نزدیکتری در امور اقتصادی، سیاسی و امنیتی» و «هماهنگی سیاستهای کشورهای عضو» در مسقط برگزار شد و در روز ۱۹ اسفند ۵۹ پایان یافت.

چنانکه در اعلامیه رسمی «کنفرانس مسقط» گفته شده است، در این کنفرانس اساسنامه ای پامضاء رسید، که بموجب آن، از جمله، «شورای عالی از رهبران دولت های عضو» و «شورایی از وزیران» تشکیل خواهد گردید. (بگزارش خبرگزاریهای غربی،

### نماینده امام در یادگان نوزه: اگر هشیار نباشیم امپریالیسم بازمی گردد

حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در یادگان نوزه، طی سخنانی در مسجد جامع سمنان، هشدار داد که امپریالیسم یا فراهم کردن زمینه های مناسب میکوشد سلطه خود را بر ایران تجدید کند.

حجت الاسلام رضوانی، که در برابر گروه کثیری از مردم سمنان سخن میگفت، در آغاز، ضمن اشاره به دوران رژیم طاغوت و دشواریها و خفقتان آن دوران، خطاب به مسئولین مملکتی گفت: «مسئولین مملکتی... باید مواظب باشند. اگر زمینه های نامربوط فراهم شود، امپریالیسم که با پا بیرون رفته، با سر باز می گردد. مردم هشیار باشید». وی همچنین اظهار داشت: «اگر عراق دست از سر ما برداشت، فکر نکنید که کار تمام است».

### نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بوزانی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار نامه مردم نیست

### NAMEH MARDOM

No. 466  
12 March 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

### برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود